

مروری بر مهمترین دروسهای انقلاب

در تاریخچه حیات سیاسی هر ملتسی روزهایی را میتوان یافت که بنا به معنر اهمیت کیه در زندگی مبارزاتی مواراتسی بوده های مردم ایفا نموده اند بمنوان روزهای فراموش ناشدنی در خاطره تاریخی بوده های مردم حادثه می مانند و حاوی درسهای گرانسها وارزشمند، برای آن مردم اند.

قیام بوده های مردم ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ نیز یکی از این روزهای بزرگ و تاریخی است. روزی که بوده های ستمدیده و زجرکشیده سلاج بدست، برای سرنگونی ستمگران به قیام برخاستند و رژیم سلطنتی را که تحم ۲۵۰۰ سال ستم و سرکوب بوده ها بود سرنگون کردند و به گور سپردند. اما اهداف بوده های مردم در انقلاب به سرنگونی رژیم شاه محدود نبود. تحقق این اهداف مستلزم یک

در صفحه ۲

رستاخیز سیاهکل

۲۲ ←

پیام

سازمانهای مترقی و انقلابی

بمناسبت سالروز

بنیانگذاری سازمان



سیمای شهرها درزیر بمبارانهای هوایی

شش هفته بمباران مداوم شهرها و مناطق مختلف دهها هزار کشته و مجروح، هزاران ساختمان مخروبه و دهها هزار آواره برجای گذارد. گرچه شداوم جنگ ارتجاعی در هر شکل و با هر حدت و شدتسی، برای کارگران و زحمتکشان شمری چسر کشتار و ناسودی در سر داشته و ندارد. اما آنگاه که طرفین درگیر در جنگ برای خلاصی ازین ست جنگ به بمباران شهرها و

در صفحه ۷

شکست نظامی اخیر

یک شکست سیاسی بزرگ

شکست فاجعت بار رژیم جمهوری اسلامی در تعرض نظامی اخیر موسوم به کربلای ۵، ۴ و ۶ که طی آن نزدیک به ۵۰ هزار تن کشته و چندین هزار سراسر و معلول شدند و سها به کده هزار نفری محمد بکلی متخلصی گردید، نه تنها آغاز یک مرحله جدید در شکست های نظامی رژیم محسوب میگردد، بلکه یک شکست سیاسی است که در پی خود رژیم را با یک بحران

در صفحه ۶

تکاپو برای تقویت ثقل فرمیسم جدید

اکثریتی های کشگری در راستای پوست انداختن رژیمیم و شعوبی جلدید رژیمیم که با منجمه های سابق کارآشایش را اردست داده. مش تقویت ثقل " رژیمیم جدید را تحت عنوان برضطراق وسیعی سعوت " ثقل انقلابیون کموسنت " دنبال میکند.

در صفحه ۸

اطلاعیه هیئت تحریریه صدای فدائی

بمناسبت اولین سالگرد حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیونی سازمان

برای برقراری صلحی دمکراتیک، جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی تبدیل کنیم

مروری بر مهمترین دروسهای انقلاب

روبرو گردید که موجودیت وارکسان حکومتش را مورد تهدید قرار داده بود. رژیم شاه برای فرونشاندن این نخستین امواج انقلاب، نیروهای خود را بسرای سرکوب توده‌ها گسیل داشت، اما کارگسر نبود، دامنه اعتراض مروتی می یافت وشعله‌های انقلاب سراسر ایران را فرا مگرفت.

سال ۵۷ با رشد و اعتلاي مداوم جنبش توده‌ای آغاز گردید، در مرداد ماه سال ۵۷ دیگر دامنه جنبش ارتبیریز تا اصفهان کشیده شده بود، رژیم شاه هراسان ارایس رشد سریع و بلاوقفه جنبش تظاهرات مردم اصفهان را به خون کشید و در آنجا حکومت نظامی اعلام کرد تا شاید تدبیر طریقی بتواند رشد و اعتلا جنبش اعتراضی توده‌ای را سد کند، اما سوده‌ها که طی سالها شتمگری رژیم شاه جانان به لب رسیده بود، آرام نگرفتند و بر دامنه اعتراض خود افزودند. رژیم شاه سیاستی دیگر را در پیش گرفت دولت آمورگار سقوط کرد و شریف‌امامی با سران ما با مصلح‌آشتی ملی بر سر کار آمد، با اراطری رفورم و امتیاز بوده‌ها را وادار به عقب نشینی کند، او میخواست با احام بکسری رفورم‌های ناجیز اقتصادی و اداری و دادن امتیازاتی به روحانیون مخالف شاه و نیز مخالفین با مصلح لیبرال او، بحران را تخفیف دهد، او به مردم قول داد حسب رستاخیز و اطاق اصناف را محل کند، کاربونها و قمار خانه‌ها را ببندد، تعوم را بشکل گذشته بازگرداند، به دهقانان وام بدهد، برخی ارزبرالهای مغفورا کنار گذارد، شکنجگران ساواک را محاکمه کند و زندانستان سیاسی را آزاد نماید.

رژیم شاه تصور مگردد که با احام این رفورم‌ها و دادن برخی امتیازات قادر است مردم را به عقب نشینی وادارد، مانع از رشد و اعتلا جنبش گردد و دهسکا منکد موج جنبش فرونشاند، این امتیازات را ناریس گبیرد، اما توده‌های مردم ایران، فریب سیریکهای هشت حاکم را نخوردند و به مبارزه خود ادامه دادند.

دگر گونی انقلابی در بنیادهای جامعه و انتقال قدرت سیاسی بدست توده‌های مردم بود، لیکن این امر تحقق نیافت و از همین پرواست که اکنون پس از گذشت ۸ سال تمام از قیام و سرنگونی رژیم سلطنتی برای لعین می بینیم که هر چند رژیم سلطنتی شاه بر افتاد، اما ستم و استثمار برقرار ماند و ستمگران دوباره بر مقدرات توده‌ها حاکم شدند.

هر کارگر و زحمتکش ایرانی باید از آنچه که طی این انقلاب اتساق افتاد درسهای لازم را بیاموزد و بداند که چرا و چگونه ستمگران بار دیگر بر سر نوشت و مقدرات آنها حاکم شدند و چرا انقلاب در نیمه راه متوقف ماند؟ تا این بار که برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی به قیامی مجدد برمی خیزند، یکبار دیگر دستاوردهای انقلابی آنها در مضمضس تاراجگری ضد انقلاب قرار نگبیرد، انقلاب بتواند به پیروزی قطعی برسد و بسرای همیشه بساط ستمگران از ایران جباروب شود، هر کس که به پیروزی انقلاب می اندیشد باید این درسها را به خاطر بسپارد و در قیام قریب الوقوع آنها را دقیقاً بکار بندد.

توده‌های مردم ایران که طی سالهای متعددی در معرض ستمگریها و فشارهای طبقات ستمگرو ارتجاعی قرار گرفتند، بودند، با آغاز نیمه دوم دهه پنجاهه زیر فشارهای فزاینده اقتصادی و سیاسی به مبارزه آشکار و علنی، سخت وجدی علیه سلط ستمگرانه حاکم بها خاستند. در سال ۱۳۵۶ ظلمه‌های یک بحران ژرف آشکار گردید و خشم انباشته و متراکم شده توده‌ها طی سالها و قرن‌ها، علیه ستمگران منفرج گردید. توده‌های مردم بها خاستند تا خورد را از قید ستم و بندگی، تحمل فشارها و ممانب متعدد اقتصادی و سیاسی رهائشی بخشند. عمر تلاطمات انقلابی آغاز گردید و مردم به انقلاب بها خاستند. زمستان سال ۵۶ با نخستین امواج اعتراضات توده‌ای در برخی شهرها، بشکل تظاهرات، با تش کشین ساکنها، شرکتها، فروشگاههای بسزرگ، سده‌های حزب رستاخیز شاه، این مراکبر ستم اقتصادی و سیاسی بر توده‌ها، آغاز گردید. رژیم ارتجاعی شاه که طی چندین سال دوران رکود و آرامش در زندگی توده‌ها ایران را جزیره ثبات و آرامش نام نهاده بود، به یکباره با جزیره‌ای طوفانی

نخستین درس انقلاب ایران همانند نمونه‌های بسیار در تاریخ انقلابات جهانی این بود که طبقات ارتجاعی حاکمه هنگامی که خود را در برابر امواج طوفانی انقلاب می بینند نخست به سرکوب و زور برای فرونشاندن انقلاب برمی خیزند، اگر توده‌ها در برابر سیاست سرکوب ایستادگی و مقاومت کنند، مرتجعین راه قریب توده‌ها را برمی گزینند و ستمی میکنند با دادن برخی امتیازات و انجام رفورمهای ناجیز، مانع از اعتلا جنبش گردند، و آنرا از مسیر انقلابی منحرف سازند، تا با فرونشستن امواج انقلاب دوباره امتیازات را باز پس گبیرند و توده‌ها را به عقب نشینی وادارند.

توده‌های مردم ایران در مبارزه علیه رژیم شاه، این درس را به خوبی آموختند، اسیر قریب‌ها و دسائس مرتجعین نشدند، و به مبارزه خود ادامه دادند.

تلاشهای قریبکارانه رژیم شاه با شکست روبرو گردید، بر تان ما با مصلح‌آشتی ملی دولت شریف‌امامی چاره ساز نبود، بحران سیاسی بهیوسته عمیق تر میشد، هر روز بخش‌های وسیع شروتا زه تری از توده‌های مردم ایران از خواب دیرینه برمی خاستند و به انقلاب می پیوستند. چنان شرایطی از حدت تضادهای پدید آمده بود که تمامی اقشار و طبقات خلق علیه رفورم منافع مختلف و متضاد متحداً خواستار برافتادن رژیم حاکم بودند، اما علاوه بر اقشار و طبقات خلق که منافعیشان در سرنگونی رژیم شاه نهفته بود، ابوزیسیونهای ضد انقلابی مخالف رژیم شاه سر خود را درون حسن می انداختند تا با نفوذ در آن و بدست آوردن رهبری حسن در حواسهای توده‌ها را در انقلاب بدک سلسله رفورها محدود کنند.

بوررواری متوسط ایران که بر اثر تحسفات و محدودیتهای اقتصادی و سیاسی بوررواری بزرگ و رژیم شاه در موضع ایورسبون قرار گرفته بود، مانعی عمده بر سر راه تحول انقلابی جنبش بود، بورروازی متوسط اخلق و مبارزه انقلابی توده‌ها در هراس بود، اراس رو در آغاز او جگیری حسن، تمام ستن و کوشش خود را بکار گرفت تا با گرفتن امتیازاتی به نفع خود با سلطت و حجاج بورروازی بسزرگ ساریس کند خلق را براسی ما بسند.



اطلاعیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به مناسبت سالروز قیام و سیاهکل

کارگران! دهقانان! سربازان! روشنفکران انقلابی!

۱۹ بهمن هفدهمین سالروز حماسه ۴ فریبی فدائیان خلق درسیاهکل، رور بنیانگذاری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و ۲۲ بهمن نهمین سالروز قیام قهرمانانه و حماسی توده‌های مردم ایران علیه رژیم شاه و سرنگونی آن فرارسیده است. در تاریخچه حیات سیاسی و زندگی مبارزاتی هرملتی لحظاتی است که جاودانه می ماند و رویدادهایی است که هیچگاه از خاطره‌ها محو نمی گردد. تاریخچه مبارزات توده‌های مردم ایران نیز آکنده از چنین لحظات و رویدادهای برجسته‌ای است که هر یک در جای خود نقش مهمی در زندگی مبارزاتی و حیات سیاسی مردم ایفا نموده‌اند.

در این میان بهمن ماه که هرروز و هرلحظه آن یادآور قهرمانی و مبارزه دلزورانه توده‌های مردم ایران است بیش از هرچیز با این دورویداد بسیار برجسته و دارای اهمیت تاریخی مشخص میگردد.

بزرگداشت این هردورویداد، بزرگداشت مبارزه قهرمانانه خلقی است که در سراسر تاریخ پر فرازونشیب خود هیچگاه دست از مبارزه علیه ستمگران برنداشته و سنت افتخارآفرین مبارزه را همچنان زنده نگاه داشته است.

قیام مسلحانه ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ که یکی از فصول درخشان در تاریخچه حیات سیاسی مردم ایران است، در عین حال که عزم بولادین و اراده آهنین این خلق و قدرت لایزال آن را در مبارزه علیه ستمگران تاریخ نشان میدهد، یاد آور این واقعیت نیز هست که در برابر قدرت توده‌هایی که علیه ستمگران بیای می خیزند، هیچ نیرویی حتی سازمان یافته‌ترین و عظیم‌ترین دستگا‌های نظامی و سرکوب طبقات حاکمه نیز توان مقاومت و ایستادگی را نخواهد داشت. ۲۲ بهمن بیانگر اوج ابتکار انقلابی و تلاش خلقی است که بخاطر برانداختن حکومت ستمگران، کسب آزادی و دموکراسی، شرایط زندگی بهتر، برانداختن سلطه جابرانه و ستمگرانه امپریالیسم از ایران و ایجاد یک حکومت دموکراتیک و خلقی، علیه یکی از ستمکارترین حکومت‌های تاریخ بشریت به قیام مسلحانه برخاست و رژیم سلطنتی شاه را که مظهر ۲۵۰۰ سال ستمگری شاهان در ایران بود، ارباب درآورد و به گورستان تاریخ سپرد.

امادریخ که علیرغم تمام قهرمانی و ارخودگذشتگی توده‌های مردمی که به تمام سلطانه برخاستند، ضعف‌آگاهی و اعتماد ناشی از زود باوری که خود نتیجه استبداد و دیکتاتوری سالیان دراز در ایران بود، سبب گردید که سرمایه‌داران و عموم مرتجعین زمام امور را همچنان در دست خود نگاه دارند و یک جمهوری ارتجاعی بنام جمهوری اسلامی به مردم تحمیل شد. بنا بر این نه فقط خواستهای مردم در انقلاب تحقق نیافت بلکه آنچه را که توده‌های مردم با تمام آسکارا تقدیزی خود بدست آورده بودند، از آنها بازپس گرفته شد و دوباره سپاه‌ترین و عریان‌ترین دیکتاتوری و اختیای بر ایران حاکم گردید و هرگونه آزادی سیاسی از مردم سلب شد. شرایط مادی زندگی توده‌ها نه تنها بهبود نیافت بلکه وخیم تر گردید. فقر ابعاد هولناکی بخود گرفت. شکاف میان فقیر و ثروت عمیق تر و وسیع تر گردید و بی عدالتی اجتماعی باز هم بیشتر شد.

سلطه امپریالیسم و وابستگی اقتصادی نه تنها بر نیافتاد، بلکه تشدید گردید. در کنار این همه معائب اجتماعی، معائب ناشی از جنگ نیز شرایط زندگی مردم را دشوارتر نمود. جنگی که بی‌سار ۶ سال عظیم‌ترین فشارهای مادی و معنوی را بر توده‌های مردم ایران تحمیل نموده، هرروز قربانیهای تازه‌ای را می طلبد، و هر رور فشار بیشتری را به مردم وارد می آورد.

امروز پس از گذشت هشت سال از قیام ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ کارگران و رحمتکشان ایران و عموم توده‌های ستمدیده با چنان شرایط سخت و دشواری روبرو هستند که طی سالهای اخیر هرگز سابقه نداشته است.

این شرایط اسفبار و غیرقابل تحمل راه دیگری جز مبارزه برای سرکوسی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت دموکراتیک و انقلابی در برابر مردم ایران قرار نمی دهد. توده‌های مردم ایران نمیتوانند ارتزاق این همه فجایع و معائبی که جمهوری اسلامی بیار آورده است، بحالت سانسد مگر آنکه یک بار دیگر به تمام سلطانه متوسل گردند. بدون یک قیام مجدد برای سرکونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری دموکراتیک خلق به سپاه هیچ بهیروی در اوضاع صورت نخواهد گرفت بلکه روز بروز وضع وخیم تر خواهد شد. فقط خلقی که به تمام ۲۲ بهمن برای سرکوسی رژیم شاه متوسل گردید، ننگ بقا، جمهوری اسلامی را نیز تحمل نخواهد کرد و بار دیگر به تمام سامی دست خواهد زد که تمام بحار کدشده سرطانی آن بکار گرفته خواهد شد.



قیام ۲۲ بهمن ۵۷ نتوانست منجر به پیروزی قطعی انقلاب و تحقق خواسته‌های بوده مردم گردد، چراکه رهبری انقلاب در دست طبقه کارگر، این انقلابی ترین طبقه جامعه قرار نداشت و قدرت سیاسی همچنان در دست سرمایه داران و عموم ستمگران و استثمارگران باقی ماند. این امر بار دیگر این واقعیت را با اثبات رساند که برای پیروزی قطعی انقلاب رهبری طبقه کارگر در دست گرفتن قدرت سیاسی توسط کارگران و دهقانان و عموم زحمتکشان ضروریست.

قیام ۲۲ بهمن ۵۷ به استقرار یک حکومت دمکراتیک در ایران نیا انجامید، چرا که ماشین بوروکراتیک - نظامی و سرکوب تمام مردم شکسته نشد. توده‌های مردم ایران در قیام آینده خود باید این تجربه را بکار گیرند، تمام ماشین ستمگری و سرکوب را درهم بکوبند و با ایجاد شوراهای انقلابی و تسلیح عمومی خلق به اعمال حاکمیت و دفاع از دست آوردهای انقلاب بپردازند.

در قیام ۲۲ بهمن ۵۷ توده‌های مردم ایران که از روی نا آگاهی و زودبازی به دارو دسته مرتجع خمینی اعتماد کردند، این بار باید این تجربه را عمیقاً بکار بندند، تنها به سارمانی اعتماد نکنند که در عمل همه جا وفاداری خود را به آرمانهای انقلاب نشان داده و اکنون نیز از برنامه و اهدافی که بتواند تحولات انقلابی - دمکراتیک را عملی سازد، دفاع میکند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که مبارزه خود را در راه آرمان کارگران و زحمتکشان ایران در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ با حمله مسلحانه به پاسگاه سیا هکل آغاز نمود، طی شانزده سال حیات سیاسی و فعالیت مبارزاتی خود چه در دوران رژیم شاه و چه در دوران رژیم جمهوری اسلامی لحظه‌ای از مبارزه در راه تحقق آرمانهای توده‌های زحمتکش غفلت نکرده است. سازمان ما وفاداری خود را به آرمانهای کارگران و زحمتکشان و دفاع از منافع عموم ستمدیدگان تحت هر شرایطی نشان داده و حتی در سخت‌ترین و دشوارترین شرایط به مبارزه علیه ستمکاران ادامه داده است. در سراسر دوران حیات سازمان، مرتجعین پیوسته کوشیده‌اند با ایجاد موانع متعدد در سر راه فعالیت سازمان و کشتار و به بند کشیدن رفقای ما در فعالیت مبارزاتی سازمان خللی ایجاد کنند، اما هیچگاه قادر نبوده‌اند سازمان ما را از ادامه فعالیت بازدارند. طی چند سال گذشته هزاران تن از رفقای سازمان ما در راه آرمانهای انقلابی کارگران و زحمتکشان جان باخته و هزاران تن دیگر هم اکنون در سباج‌های فزون و سطاشی دژخیمان جمهوری اسلامی به بند کشیده شده‌اند. کارنامه مبارزاتی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بر هیچ‌کس پوشیده نیست. صحت موضعگیریهای سازمان ما نیز چه در دوران رژیم شاه و چه در دوران رژیم جمهوری اسلامی بر همگان عیان و آشکار است. سازمان ما در زمره نخستین سازمانهایی بود که بر ماهیت ضد انقلابی و ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی انگشت گذارد، به مبارزه علیه آن برخاست و عموم سیاستهای ارتجاعی آنسرا افشاء نمود.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بعنوان یگانه سازمانی که از منافع و آرمانهای طبقه کارگر ایران دفاع میکند و اساساً در جهت برانداختن استثمار و نظام طبقاتی و ایجاد یک جامعه کمونیستی مبارزه می نماید، در مرحله کنونی انقلاب نیز از موضع طبقه کارگر از منافع عموم زحمتکشان و ستمدیدگان دفاع میکند و خواستار یک حکومت انقلابی و دمکراتیک و اجرای مطالبات پربنایمیه حداقل سازمان که تا همین کننده خواستها و منافع عموم توده‌های مردم است می باشد. سابقه مبارزاتی سازمان، صحت و حقانیت موضعگیری‌های سازمان، و برنامه انقلابی سازمان بهتر از هر چیزی کارنامه سیاسی سازمان و نقش آنرا در مبارزه با خطر آرمانهای کارگران و زحمتکشان، نشان میدهد.

کارگران! دهقانان! سربازان! روشنفکران انقلابی!

برای سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، برای رها شدن مردم از بندهای معاشی که این رژیم شیکار بسیار آورده است و استقرار جمهوری دمکراتیک خلق، حول پرچم سرخ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، برنامه و اهداف آن، متشکل شوید!

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - سرنگون باد جمهوری دمکراتیک خلق
 نابود باد امپریالیسم جهانی بد سرکردگی امپریالیسم آمریکا و یانکاد داخلی
 رنده باد سوسیالیسم
 سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
 بهمن ماه کهراروس و سمدوشت و پنج



اطلاعیه هیئت تحریریه صدای فدائی بمناسبت اولین سالگرد حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیوئی سازمان

یک سال پیش در چهارم بهمن ۱۳۶۲ یک توطئه خیانتکارانه از سوی باند مزدور و خائن مصطفی مدنی - عمادشهبانی با حمایت و پشتیبانی بورژوازی و کلیه دشمنان سوگندخورده طبقه کارگر بر علیه سازمان ما به مرحله اجرا درآمد، و صدای فدائی بانگ رمای کارگران ایران مورد حمله مسلحانه قرار گرفت. در جریان این توطئه ۳ تن از رفقا اسکندر، کاوه و حسن در دفاع از مرکز رادیوئی سازمان به شهادت رسیدند. انگیزه ها و علل اصلی این توطئه را باید در عیب و هراس بورژوازی از آگاهی و تشکل کارگران و نقشی که صدای فدائی در این زمینه ایفا نموده است، جستجو نمود. از هنگامیکه صدای فدائی فعالیت خود را آغاز نموده است تلاش آگاهانه گسترده ای را علیه نظم ارتجاعی و استثمارگرانه سرمایه داری حاکم بر ایران، رژیم جمهوری اسلامی و افشاء دوستان دروغین خلق سازمان داد.

برنامه های تبلیغی و ترویجی صدای فدائی در زمینه های دموکراتیک و سوسیالیستی نه فقط نظام سرمایه داری موجود و رژیم جمهوری اسلامی را مبتلا به پاسدار این نظام آماج حملات خود قرار میداد بلکه توأم با آن کلیه سازمانها و جریانها را لیبیرال و فرمیت و ناپیکیری عموم جریانها غیر پرولتری را بی رحمانه افشاء میکرد. ناگفته روشن است که این نقش آگاهانه صدای فدائی در میان توده های مردم بویژه طبقه کارگر ایران نمیتوانست واکنش خصمانه بورژوازی و همه کسانی که حیات ننگین خود را در ناآگاهی توده ها می بینند برنیا نگیزد. از همین رو است که از مدتها پیش رژیم و حتی اپوزیسیون بورژوازی منجمله سازمان مجاهدین خلق و حزب دمکرات کردستان ایران، تبلیغات وسیعی را علیه صدای فدائی سازمان داده بودند. از این رو در میان بورژوازی حاکم و اپوزیسیون در مبارزه علیه سازمان ما و خاموش کردن صدای فدائی، وحدت نظری و عملی وجود داشت.

تلاش همه آنها این بود به هر شکل ممکن این ابزار آگاهی بخش طبقه کارگر ایران را از آن بگیرند. توطئه حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیوئی سازمان یک توافق همگانی جریانها مختلف بورژوازی علیه سازمان بود. شاید در آن ایام برای عده ای از افراد ناآگاه با کسانی که در بطن مسائل قرار نداشتند با توجه به حجم تبلیغاتی که بورژوازی و عوامل رنگارنگ آن علیه سازمان برای انداخته بودند درک این رابطه و نقشی که اتحادیه میهنی بعنوان جانشین اصلی باند مزدور مدنی - شهبانی از سوی بورژوازی حاکم و بورژوازی اپوزیسیون ایران ایفا نمود، منکمل بود. اما از همان هنگام که درک توطئه گرانه اشغال سلحانه مرکز فرستنده رادیوئی سازمان توسط این باند با شکست روبرو شد و افراد مسلح اتحادیه میهنی مرکز رادیوئی سازمان را اشغال نمودند، مانع از پیش برنامه های صدای فدائی شدند و سپس همه امکانات سازمان را نیز به تاراج بردند، برهانشان اندک آگاه و انقلابی روشن بود که این یک توطئه حساب شده علیه سازمان است که باند مدنی - شهبانی در آن صرفا نقش آلت دست و ابزار اعمال سیاستهای هستند که در پشت آن جمهوری اسلامی و سازمانهای بورژوازی ایران قرار دارند. این واقعیت هنگامی بیشتر آشکار گردید که بلافاصله پس از آنکه سازمان علی رغم تلاشهای همه جانبه بورژوازی مجدداً یک مرکز فرستنده رادیوئی دیگر دایر نمود و صدای فدائی فعالیت خود را آغاز کرد. اتحادیه میهنی یک فرستنده رادیوئی در اختیار مردوران خود قرار داد که بنام "صدای فدائی" برنامه پخش کنند.

هرچند که این تلاش بورژوازی نیز با شکست مواجه گردید چرا که صدای فدائی با مواضع انقلابی سازمان شناخته شده است، و روشن بود رادیوئی که بخواهد بنام صدای فدائی، اپورتونیسیم و سازش طبقاتی و خط بورژوازی سازمان مجاهدین خلق و حزب دمکرات و امثالهم را تبلیغ نماید در میان توده های مردم رسوا و افشاء خواهد شد. این وقایع مصادف بود با زمانی که اتحادیه میهنی دست اتحاد بسوی جمهوری اسلامی دراز کرده و اولین بده و بیستانهای خود را از جمله علیه اپوزیسیون جمهوری اسلامی آغاز کرده بود. از این رو سازمان ما در اطلاعیه های خود این حقیقت را افشاء نمود و گفت: بیرونی تحولاتی که در منطقه صورت خواهد گرفت حقیقت پیوندها بین توطئه مسلحانه را با وحدت اتحادیه میهنی کردستان و جمهوری اسلامی نشان خواهد داد.

گذشت چند ماهی کافی بود که از یک سو وحدت جمهوری اسلامی با اتحادیه میهنی کردستان و توأم با آن وحدت این سازمان با مرتجعین حزب الدعوه و قبیاده موقت علنی گردد و از سوی دیگر محدودیتها و موانعی که اتحادیه میهنی بر بر راه فعالیت سازمانهای سیاسی ایران علیه جمهوری اسلامی پدید آورد، نشان دهد که نزدیکی اتحادیه میهنی کردستان با جمهوری اسلامی نمی توانسته است بدون توافق برای سرکوب سازمانهای ایرانی و محدودیت فعالیت آنها صورت بگیرد، و نقشی که اتحادیه میهنی کردستان در اتحاد با جمهوری اسلامی در جریان حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیوئی ایفا نمود بر همگان آشکار و عیان گردد.

اکنون پس از گذشت یک سال از توطئه چهارم بهمن، نه تنها نقش بورژوازی و دارودسته اپورتونیسیت خاش و مزدور مدنی - شهبانی که به جیره خواران تحت الحما به اتحادیه میهنی تبدیل شده اند کاملاً آشکار شده است بلکه تداوم فعالیت صدای فدائی نشان داد که بورژوازی و عوامل رنگارنگ آن به هر تلاش مذبحخانه ای که متوسل گردند قادر نخواهند بود سازمان ما را از ادامه فعالیت و مواضع انقلابی اش بازدارند.

ما در جهت تحقق آرمان طبقه کارگر و حفظ استقلال طبقاتی آن محکم و استوار استوار استواریم و به مبارزه بلاوقفه خود در این مسیر ادامه خواهیم داد و هیچ مانعی قادر نخواهد بود سازمان ما را از مبارزه در راه هدف سترگی که در برابر خود قرار داده است باز دارد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

بده - سواد سوسالیم

هفت خیر بددای فدائی - چهارم بهمن ماه یکپار و سمد رصص وینج

شکست نظامی اخیر یک شکست سیاسی بزرگ

سیاسی بسیار مهم روبرو خواهد ساخت. این تعرض نظامی که در پی تلاشهای طولانی مدت جمهوری اسلامی برای بسیج هر چه بیشتر نیروی انسانی و تدارک تسلیحاتی و تجهیزات نظامی صورت گرفت و بسیج ارتش یکمدهزار نفری محمد و غریب سلاح از آمریکا و اسرائیل که تنها جزئی از تدارک گسترده‌ای بود که صورت گرفته بود، در حقیقت همان تعرض گسترده بود که رژیم از مدتها پیش وعده انجام آنرا به همگان داده بود. این تعرض نظامی که میبایستی همزمان در سه جبهه جنوبی، مرکزی و شمالی آغاز گردد و با اشغال بخشی از خاک عراق از جمله بصره و استقرار یک حکومت دست نشانده جمهوری اسلامی با یک پیروزی سیاسی پایان باید، تبدیل به یک شکست نظامی - سیاسی گردید.

ابعاد این شکست تا بدانجا است که حتی سران رژیم رانیز وادار به اعتراف نمود و رفتنجانگی که تا پیش از این شکست از اشغال عراق و سرنگونی رژیم حاکم بر این کشور سخن میگفت ادعا کرد که هدف ما اشغال بصره نیست بلکه میخواهیم ماشین جنگی عراق را از بین ببریم. اولین حمله نظامی که با انجام عملیات کربلای ۲ و از طریق تعرض یک موج وسیع انسانی در جبهه جنوب آغاز گردید در همان لحظات اول بدون اینکه بتواند حتی اندکی پیروزی نظامی بدست آورد سریعاً با شکست روبرو گردید، و تمام واحدهای آن متلاشی شدند. رژیم جمهوری اسلامی بلافاصله حمله نظامی دیگری را به نام عملیات کربلای ۵ در جبهه جنوب و عملیات کربلای ۶ را در جبهه مرکزی آغاز نمود که علیرغم پیشترویهای بسیار محدود در این دو جبهه این هردو تعرض نیز با تلفات سنگین رژیم جمهوری اسلامی با شکست روبرو شد.

با شکست تعرضات نظامی رژیم در سه جبهه جنوبی و مرکزی، عملیاتی که سیاسی از جبهه شمالی نیز انجام نگرد متوقف ماند. بدین طریق رژیم جمهوری اسلامی در تعرضی که از مدتها پیش وعده آنرا بهمراه یک پیروزی بزرگ داده بود با شکست تمام و کمال روبرو

گردید. از این رو شکست رژیم در تعرض نظامی اخیر یک شکست نظامی کوچک و نا چیز نیست بلکه یک شکست نظامی بزرگ، یک شکست سیاسی محسوب میگردد.

رژیم جمهوری اسلامی مدتهای مدید برای این تعرض به بسیج و گردآوری نیرو پرداخته بود و تا سرحد ممکن دست به بسیج و سازماندهی نیروی انسانی برای این تعرض زده بود. رژیم مدتها تلاش کرد تا ارتش را تجدید سازماندهی کند. با زور و تهدید و تطمیع توده‌های مردم را بسوی جبهه‌های جنگ گسیل داشت. در زمین تسلیحات نیز تلاش مستمری صورت گرفته بود و واسطه و تجهیزات لازم را برای این حمله تدارک دیده بود. رژیم تمام امکانات اقتصادی و مالی خود را در خدمت این تعرض قرار داده بود. مناسبترین شرایط جوی را که ارتش عراق نتواند از برتری نیروی هوایی، زرهی و توپخانه خود استفاده کند بعنوان لحظه مساعد حمله انتخاب کرده بود و با تمام این اوضاع با شکست روبرو گردید.

از این رو این شکست یک شکست بی اهمیت کوچک نیست، بلکه یک شکست بزرگ نظامی محسوب میگردد که شکستهای نظامی دیگری رانیز در پی خواهد داشت. اما آنچه که در این شکست رژیم حائز اهمیت است نه صرفاً جنبه نظامی آن بلکه شکست سیاسی و عواقب آن بصورت یک بحران سیاسی بسیار عظیم است. همانگونه که گفته شد هدف رژیم جمهوری اسلامی در تعرض نظامی اخیر، اشغال بصره و استقرار یک حکومت دست نشانده و در یک کلام یک شکست سروری سیاسی بود. رژیم نتوانست این هدف سیاسی خود بدست یابد اما راس مسئله مهمتر است. شکست نظامی و سیاسی بر اوضاع داخلی رژیم است.

رژیم جمهوری اسلامی در شرایط کنونی با اوضاع اقتصادی حیران و خمی روبرو است که در سراسر دوران حیاتش سابقه نداشته است. درست در محوطه این بحران اقتصادی همه امکانات اقتصادی جامعه را در خدمت جنگ قرارداد است. هزینه‌های سرسام آور جنگ و خامت بحران اقتصادی را تشدید نموده است. جمهوری اسلامی ابدوار بود که با شکست پیروزی نظامی در جبهه‌های جنگ با اوضاع وخیم اقتصادی خود سروامانی ندهد. بعلاوه نارضایتی شدید مردم از ادامه

جنگ و تضادهای درونی رژیم در زمره عوامل دیگری بودند که رژیم بخاطر مقابله با آنها به چنین پیروزی نیاز داشت. تحت تاثیر همین عوامل بود که سران جمهوری اسلامی از مدتها پیش وعده پایان جنگ شوم با یک پیروزی را تا پایان سال جاری داده بودند. اما نه فقط پیروزی بدست نیامد بلکه تعرض گسترده با یک شکست نظامی و سیاسی همراه بود. نه تنها جنگ به پایان نرسید بلکه ابعاد وسیع تری بخود گرفت و جنگ شهرها نیز بدافزوده شد.

جمهوری اسلامی برای جبران شکست خود مجدداً در پی یک تعرض جدید برآمده است. و برای اینکه خود را از مخمصه موجود برهاند در تلاش است تا با ردیگر دست به یک حمله نظامی بزند. از همین رو پس از تلاشی و انهدام سپاه یکمدهزار نفری محمد تلاش‌های مذبحانهای را آغاز نموده تا نیروی دیگری را بنام سپاه مهدی سازماندهی و تجهیز کند و هر چه سریعتر به جبهه‌های جنگ بفرستد و تعرض جدید خود را آغاز کند. ناگفته روشن است که اگر رژیم در تعرض اخیر خود با تمام تدارکات، تجهیزات و نیروی انسانی آموزش دیده با چنان شکست مفتضحانه‌ای روبرو گردید که سپاه یکمدهزار نفری محمد بکلی منهدم گردید، سرنوشت تعرض آینده آنرا هم اکنون روشن است. شکست مجدد.

اما به هر رو رژیم در چنان وضعیت وخیمی قرار گرفته است که خود را ناگزیر به یک تعرض جدید می بیند هر چند که خود سیر از پیش به این شکست واقف است و این شکستها قطعاً تاثیر خورادر وضعیت داخلی رژیم برجای خواهد گذارد و آنرا با یک بحران داخلی بسیار وخیمی روبرو خواهد ساخت.

بحران اقتصادی با زهم عمیق تر و ارهم گسیختگی و نابسامانی اقتصادی به نهایت خود خواهد رسید. توده‌های مردمی که در انتظار پایان یافتن جنگ نابایان سال جاری هستند توام با این شکست‌های رژیم و ادامه جنگ برداشته مبارات خود خواهند افزود. نیروهای که در جبهه‌های جنگ سربمیرند و در انتظار خاتمه جنگ تا پایان سال جاری هستند با ادامه جنگ و شکست‌های بی در پی رژیم به مبارزهای جدی تر علیه رژیم روی خواهند آورد. موج نارضایتی، نافرمانی و عصیان در صفحه ۱۸

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مباررات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلفهای ایران



سیمای شهرها در زیر بمبارانهای هوایی

مناطق غیر نظامی روی می آورند، سیمای
زدرنده خوشی سرمایه به عربانی در معرض
دید توده ها قرار میگردد. ربهخت سست
بر سر کودکان، زنان و مردان برای دست
بالا گرفتن در جنگ، برای امتیاز گرفتن
از طرف مقابل و برای تفریح توازن جنگ به
نفع خود، با این انگیزه ها است که سنا
کنون بارها و بارها شهرها و مناطق مسکونی،
کارخانه و دانشگاه و مدرسه و بیمارستان
آماج بمباران قرار گرفته اند و در این
میان آنچه نصیب کارگران و زحمتکشان
شده هزاران کشته و زخمی، ویرانی و
آوارگی بوده است. بمباران شهرها
ماهیت ارتجاعی جنگ را عربانتر در معرض
دید توده ها قرار میدهد و واکنش آنان در
سرابر بمبارانها و سیاستها و تبلیغات
رژیم در این زمینه، بخوبی نشان میدهد
نوده ها از جنگ ارتجاعی منزجرند، آنرا
جنگ خود نمیدانند و به رودروشی بیشتر
با حاکمیت اسلامی بر میخورند. این را
واکنش توده ها نسبت به بمباران شهرها و
اقدامات رژیم بخوبی نشان میدهد. و
همین روحیه توده ها باعث شد در زمانی که
شهرها در معرض بمباران قرار داشتند،
تخلیه شده بودند، مدارس و ادارات بحال
تعطیل و نیمه تعطیل در آمده بودند، رژیم
" هفته بسیج سنگرزازی برای مقابله
با بمبارانهای هوایی " را علم کند تا
بدین وسیله هم توده های مردم را
شهرها یکسانند و هم در هنگام بمبارانهای
هوایی کنترل بیشتری بر اوضاع داشته
باشد. برای مقابله با اعتراضات و
ظواهرات ضد جنگ و رژیم که نموده های
آن را به عینه دیده بود.

در طول ۶ هفته بمباران مداوم
شهرها که از اواسط دیماه تا اوایل بهمن
طول انجامید، ۶۵ شهر ربهخت بارها و بارها
بر در حمله هوایی قرار گرفتند. فاجعه ای
که با بمبارانها بیار آورد غیر قابل
برسداد و دیگر چند نمونه از شهرهای
مختلف بمباران شده و وضعیت کارگران و
زحمتکشان را بران تحت حاکمیت حکومت جنگ و
سوار را تصور میکنید. طی ۶ هفته ای
که بمباران شهرها ادامه داشت، بر عموم
شهرهای که در معرض بمباران قرار
داشتند، حالت ویژه ای حاکم بود، ادارات

و مدارس تعطیل و با سینه تعطیل بودند.
مردم برای نجات جان خود، نا احوال گشته
امکانی در دسترس داشتند، شهرها را تخلیه
میکردند. کودکان خردسال از ۲ تا ۵ ساله
دچار حالت های عمیق شده بودند، شش دست
گریه میکردند و قادی به کنترل ادرار خود
نیامده اند، تا شبرات روانی و عمیق بمبارانها
باعث شده بود که تعداد مراجعین به
پزشکان متخصص اعصاب بطور چشمگیری
افزایش یابد.
در بمباران شهر میانه که در ۱۲ بهمن
انجام شد، دانش آموزان دو مدرسه ای که
هدف بمباران قرار گرفتند، در صف
ایستاده بودند با بعد از آمدن آژیسر
خطر کودکان بطرف درب مدارس هجوم
بردند تا از مدرسه خارج شوند، اما مدیر
مدرسه مانع خروج دانش آموزان شد در
نتیجه بمباران این دو مدرسه حدود ۶۰۰
دانش آموز کشته و تعداد زیادی مجروح
شدند.

در تبریز اوایل هفته دوم بهمن
بمبارانها بسیار شدید بود. پس از هر
موشکی که جمهوری اسلامی به شهرهای
عراق میرسد، تبریز و نواحی اطراف آن یک
تا دو بار توسط رژیم عراق بمباران
میشد. هر زمان که رادیو رژیم خبر از
موشک باران شهرهای عراق میداد، مردم
تبریز نیز در انتظار بمباران بمباران
مسرودند. مناطق بسیاری از شهر تبریز و
اطراف آن طی این مدت هدف هواپیما های
عراقی قرار گرفتند. دانشگاه، خیابان
شهنار و باغ گلستان، کارخانه های " ایدن " و
" جرم دیزل "، حوله بافی و ماشین
سازی درست هنگامی بمباران شدند که
ساعت کار تمام شده بود و کارگران در حال
خروج از کارخانه بودند. یکی از بمب ها
در نزدیکی سرویس کارگران کارخانه
" ایدن " به زمین نشست تعداد زیادی
ارکارگران کشته و زخمی شدند.

رورشید ۲۷ دسامبر در ساعت ۱۱
شب، سربر مورد بمباران قرار گرفتند.
از ۵ بمبی که هواپیما های عراقی بر سر
شهر ریختند یکی به کارگاه دانشکده
مضی دانشگاه سربر افتاد کرد. در آن
ساعت ۶ تن اردانشجویان سال آخر
دانشکده مضی مشغول ساحس حمله بودند
دراثر امابت بمب، ۳۶ تن اردانشجویان
کشته شدند.
بمباران شهر بروجرود در نلفات و
خسارات سنگینی برجای گذاشت. خانه های

سباری ویران شده اند. در اثر بمباران،
یک مدرسه بطور کامل تخریب گشت و
اجساد دانش آموزان به خیابان پرتاب
شد. والدین دانش آموزان که برای
یافتن فرزندان شان به محل آمده بودند،
در حین جستجو در لایله آوارها با صدای
بلند به خمینی و رژیم دشنام میدادند.
هنوز مردم در حال دفن کشته شدگان
بودند که باز هم هواپیما های عراقی
همان منطقه را بمباران کردند. مردم به
داخل قبرهاشی که برای دفن اجساد کننده
بودند پناه بردند.

در اصفهان هنگامی که مردم محله
" چهار سو " برای گرفتن کوپن در مقابل
بانک صف کشیده بودند، شهر بمباران شد.
حدود ۶۰۰ نفر در این منطقه کشته شدند.
در بمباران شهر بانه مناطقی از
این شهر از جمله بلوار بانه سالسن
شهرداری، بیمارستان و بخشی از پادگان
هدف قرار گرفتند، اکثر محله های شهر
سندج در بمبارانهای هوایی مورد حمله
قرار گرفته اند در اثر این حملات بیش
از ۱۰۰۰ تن کشته شده اند. کثرت کشته
شدگان باعث شد که رژیم ۳ روز در شهر
عزای عمومی اعلام کند.

در تهران پنجشنبه شب ۲۳ بهمن برق
آلستوم در منطقه آریا شهر مورد بمباران
هوایی قرار گرفت، قسمتی از این
کارخانه برق در اثر بمباران از کار افتاد
و بقیه منطقه تا صبح روز بعد قطع بسرد.
دراثر این بمباران مناطق مسکونی آریا
شهر صدمه دید، شیشه منازل حذف و برق
آلستوم تا پل تاج تماماً خرد شد. صبح
روز بعد جمعه ۲۴ بهمن مردم دیگر نقاط
شهران برای دیدن این منطقه و میزان
خرابی ها سرازیر شده بودند.
در خیابان رسالت بمبی در نزدیکی
یک مید کودک فرود آمد و تعدادی از کودکان
کشته و زخمی شدند.

در زجاج تراثر امابت بمب به یک
مدرسه ۳۰۰ دانش آموز کشته و زخمی
شدند.
در بمباران شهر ارومیه تنها در روز
۱۱ بهمن ۵ تن بر روی مناطق پر جمعیت
شهر ریختند که تعداد زیادی کشته و
مجروح برجای گذاشت. در اثر امابت یکی
از بمب ها به یک مدرسه ۵۰۰ دانش آموز
کشته شدند.

و اینها تنها بخش ناچیزی از
در صفحه ۱۷

زندگی با سوسیالیسم

تکاپو برای تقویت ثقل رفرمیسم جدید

"ثقل رفرمیسم جدید" است که با برخی مرزبندی های صوری با رفرمیسم بی آبرو شناخته شده ای که توسط حزب تسلسل شده و اکثریت نمایندگان میخدا، قصد دارد اساس رفرمیسم را از بحرانی که گریبانگیر بلوک اپورتونیستی حزب توده و اکثریت گشته است نجات دهد. نامزدهای کشتگرها برای ورود به این اشتلاف جدید، عبارتند از بخشهایی از حزب توده که به گذشته انتقاد دارند، سازمان اکثریت با شرط انتقاد به خود، راه کارگرو سازمان آزادی کار.

"رفرمیسم جدید" که کشتگرها در جهت تقویت ثقل آن برآمده اند از سوی راه کارگر با استقبال مواجه شده است بر مبنای بحرانی است که در بلوک اپورتونیستی حاصل گشته است. واقعیت این است که مبارزه طبقاتی و بی پرویی و بی حیثیتی حمایت از جمهوری اسلامی ستون فقرات بلوک اپورتونیستی، یعنی حزب توده را نه فقط سخت تضعیف نموده بلکه آنها را تکه تکه نموده و بحران همچنان در این ستون فقرات بلوک اپورتونیستی حاکم است. اکثریت نیز با اختلاف بسیاری در همان مسیری قرار دارد که حزب توده در حال پیمودنش میباشد.

اراین روند تلاش نیروهای اپورتونیست و نیز رفرمیست بر سر حفظ پایه ها و اساس رفرمیست قرار دارد. تلاشی که در دوسه طی این مدت جریان داشته است. ارتکوب با ترک برداشتن حزب تسلسل و اکثریت و جدائی بخشهایی از آن. تقیلا برای ادامه حیات این دو جریان را با درجات گوناگونی به نقد (نقد اپورتونیستی) از گذشته گشاده است و در محسودوده صوابت حاکم بر بلوک اپورتونیستی، حرکتی سوی "چپ" آغاز گردیده است. این حرکت که در کنفرانس ملی حزب توده و بلورم اکثریت مشاهده شد، اما قادر به ناشی آمدن بر بحران نبود و لیسلسلسل بر ریبایی و تجربیه همچنان معمل اساس حرکت را تشکیل میدهد. برجیس ریبیه ای روی دیگر سیروهای رفرمیست نظیر راه کارگرو سیروا ریلوک اپورتونیستی حزب توده و اکثریت، برای تقویت جبهه مددی از رفرمیسم و جذب نیروهای جدا شده از آن بلوک، از مدتها پیش حرکت

بسمت راست را آغاز کردند. در حقیقت نقد کشتگرها از گذشته واعلام منسی تقویت ثقل انقلابیون کمونیست " منسی با سمت بمنابله نقطه تلاقی بین دو حرکت، به تشکیل جبهه جدیدی از رفرمیستها منجر شود.

چنین است که راه کارگر شادمانه به استقبال نقد کشتگرها می رود و با اصطلاح با یکوت سیاسی اش نسبت به این جریان راکن لم یکس اعلام میدارد. راه کارگر در این مورد مینویسد: " این کام کیفاً مثبتی است که هر چند پس از دودلی و تردید طولانی برداشته شده است، اما بهر حال کامی به پیش است و ما از آن خرسندیم".

راه کارگر برای توجیه رفسسج با یکوت سیاسی اش از کشتگرها، که اما در عمل از مدتها پیش با سیاستهای متخذه از سوی راه کارگر موضوعیت خود را از دست داده بود، بر نقد کشتگرها از خود دایر بر اینکه رژیم جمهوری اسلامی از همان مردای پیام ضد انقلابی بوده است، منگی است. امری که دیگر نه از لحاظ نظری و نه عملی از رهنج احمسی بر حورردار سست. بکه راه کارگر بر این مسئله معط نظیر کردن حساب های کهنه است برای مداوم حساب در سکی جدید. برای تقویت " ثقل رفرمیسم جدید".

گزارش سیاسی کشتگرها حدوده مضمون این رفرمیسم جدید که باید سراسر در شرایط کنونی همچنان رسالت به کحراره گشادن طبقه کارگر و توده ها را عفسسب نماید ترسیم کرده و برای این منظور با مواضع اتخاذی در سالیهای قبل کسه خاستکاری رفرمیسم را آشکار می ساحت بطور صوری مرز مددی نموده است. صد انقلابی خواندن جمهوری اسلامی از همان بدو بقدرت رسیدن، یکی از مواضعی است که اکنون مورد نقد قرار گرفته است. توش داری پس از مرگ سحراب، معسلاوه اکنون که دیگر ساریا مواضسسج اپورتونیستی - رفرمیسی، عملاً بر سر سئوال رفیه و سی حشبت گشده است، نقد باره ای از آنها سمنابله سوباب اطمینان کمبر رفرمیسم ضرورت یافته است. از جمله این مواضع انتقادی که در گزارش سیاسی کشتگری ها منعکس گشته است عبارتند از:

نقد دستگاه حزب توده نسبت به امیرالسم و مبارزه ضد امیرالسمی، رد سنوری راه رشد غیر سرمایه داری، پذیرش رهبری پرولتاریا بر انقلاب دمکراتیک در وجه عام خود و تاکید بر ضرورت آزادیهای سیاسی و دمکراسی.

اما این نقد کشتگرها نقدی صوری و کاسیکارانه است. نقد کشتگرها در تمامی زمینه ها اس و اساس تمام خیانت کاری های بر ملا شده گذشته را دست نخورده باقی میگذارد. چرا که خیانتکاری با چهره جدید باید ادامه یابد. نه ضد انقلابی خواندن جمهوری اسلامی از همان بدو بقدرت رسیدن و نه رد صوری سنوری راه رشد غیر سرمایه داری و پذیرش رهبری پرولتاریا بر انقلاب دمکراتیک و نه نقد مبارزه ضد امیرالسمی. هیچکدام اساس رفرمیسم را بزیر سئوال نمی برد. تنها شکل ارائه و جلسد رفرمیسم تغییر می یابد. همچنانکه مار بالاجبار پوست می اندازد، کشتگرها هم فعل پوست انداختن شان فرارسیده است. اما همچنانکه مار با پوست انداختنش همچنان مار باقی می ماند، کشتگرها هم همچنان همان اکثریتی های کشتگری باقی مانده اند.

کشتگرها در گزارش سیاسی خود جمهوری اسلامی را ضد انقلابی ارزیابی میکنند، اما آن متدولوژی که کشتگرها راه پذیرش سنوری " اتحاد و مبارزه" سا حمسی سناد همچنان در متدولوژی شان باقی است.

کشتگرها از رهبری پرولتاریا بر اسطفا دمکراتیک و شیوه مسسارزات ضد امیرالسمی سخن میگویند، اما بیانشا از رسوه سسکونی رژیم جمهوری اسلامی که حمی سسدر سنوری مراحل، عملاً رهبری پرولتاریا بر اسطفا دمکراتیک را سستی اعلام سدارد.

گزارش سیاسی محوت سلوم منمعی است که سنوان اپورتونیسم سرمکیناسه کسگرها را که سخواهند با اصطلاح سسب سبوت ثقل انقلابیون کمونیست سبردارند، سرملاً سسکند از سزارهای تقویت ثقل رفرمیسم حدیدا عسان مسازد. هر حش و ساحتی از گزارش سیاسی که گرفته شود سسبرن کاملاً رفرمیستی کل گزارش سسج سی آند. کابی استگاهی کدرا فقط سس حشی از گزارش سیاسی سبت عنوان " در راه

زند باد استقلال طبقاتی کارگران



اسامی سازمانهای انقلابی و مترقی که بمناسبت سالروز رستاخیر سیا هکل پیام فرستاده اند :

- حزب کارگران کردستان ترکیه P.K.K
- سازمان چپ انقلابی شیلی (میر)
- نشریه کاردین، نشریه چپ (آمریکا)
- حزب انقلابی تمام خلقهای آفریقا
- اتحادیه کمونیستهای آلمان

- حزب کارگران سوسیالیست انگلیس
- جبهه فارابوندومارتی F.M.L.N
- سازمان راه انقلابی ترکیه (دویول)
- حزب کارگران انقلابی انگلیس
- اتحاد سوسیالیستهای سازمانده (انگلستان)

پیام اتحادیه کمونیستهای آلمان

پیام جنبش چپ انقلابی شیلی (میر)

رفقا !

بخاطر شانزدهمین سالگرد تاسیس سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیام همبستگی قلبی خویش را برای شما ارسال میداریم . ما بسیار خوشبختیم که سازمان شما با وجود تعقیب و سرکوب توسط رژیم خمینی همچنان بر علیه جمهوری اسلامی مبارزه کرده و در جهت سرنگونی آن حرکت می نماید .

رژیمی که حاکمین آن در تهران خلقهای ایران را استثمار و سرکوب میکند ، هزاران تن انسان را در جنگ بر علیه عراق تهیج نموده و به کام مرگ می فرستد و هراعتراض و مقاومتی را میخواهد با سرکوب و شکنجه جواب دهد ، حق موجودیت نباید داشته باشد تنها جواب مناسب در مقابل چنین رژیم ، جواب خلق است که از طریق قیام مسلحانه و یک اعتماد عمومی سیاسی حکام جمهوری اسلامی را سرنگون نماید .

در رابطه با مسائل بین المللی رژیم تهران در پیشبرد سیاستهای قدرتهای امپریالیستی سهم بوده و در طرف ضد انقلاب قرار دارد . از همین رو است که دزدهای ایرانی از معاملات اسلحه با آمریکا (پسران) حساب صد انقلابیون در آمریکا مرکزی سراربر شده تا اسلحه بیکار را گوشت را به شکست بکشاند و به همین دلیل نیز میتوان گفت که با دخمی و طرفدارانش از قدرت بربر کشته شود .

اینکه ارجه طرفی قدرتهای امپریالیستی در حال حاضر به حکام ایران همکاری می نمایند و چگونه امپریالیسم آلمان د آن سهم می باشد ، ما در اعلامیه آجرس خویش تشریح نموده ایم که برای اطلاع شما به پیوست اس بنام می باشد . ما بر نامه انقلابی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران برای انقلاب صد امپریالیستی دمکراتیک و دسرمانه داری در ایران را ناسد می سازیم . برای شما در مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی همچنان شما مست بگیری و استواری جهت تسیر شرایط سجدده در کشورستان همس طور برای سازمانتان در مسیر حرکت برای دگرگونی انقلاب در ایران آرزوی موفقیت می سازیم .

مرک بردیگنا سورها و خون آشام ها
رسده باد همبستگی بین المللی

اتحادیه کمونیستهای آلمان
کوبسگر - ۲۹ ژانویه ۱۹۸۷

رفقای گرامی !

خوشبختیم که همبستگی بین المللی و تبریکات انقلابی خود را به مناسبت شانزدهمین سالگرد تاسیس سازمانتان ارسال داریم . ما افتخار میکنیم که در گراماگرم این دوران حساس و تاریخی به سازمان شما و خلق ایران درود بفرستیم . امروز در آمریکای لاتین و خصوصا شیلی ما شکل گیری فرم جدیدی ارتوطشه امپریالیسم را که تجلی از آن را در دمکراسی های محدود آرزانتین و اروگوئه می بینیم تعقیب کرده و آشکارا اعلام میداریم که در مبارزه هرگونه سازش و اتحاد با دشمن و نیروهای بورژوازی اپوزیسیون وارد نمیکنیم . ما آشکارا گفته ایم که هر حکومت موقتی که در چارچوب روابط اقتصادی - اجتماعی سنتی شکل گیرد ، قادر نخواهد بود بحران اقتصادی - اجتماعی و اخلاقی موجود را حل کند . تنها توده های سازماندهی شده و مسلح قادر خواهند بود جامعه ای که برپا به عدالت اجتماعی و دمکراسی استوار باشد یعنی یک جامعه انقلابی برپا دارند که به حواسها و آرمانهای بجای توده های شیلی پاسخگو باشد ، مردمی که سالها است توسط دولت نظامی و دستگاه ارتش سرکوب شده اند .

رفقای گرامی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران !

گرچه تا انقراض امپریالیسم راه طولانی در پیش داریم ، ما امروز شاهد هستیم چگونه امضای قرارداد ارسال اسلحه به ایران توسط آمریکا ، دولت ریگان را تضعیف کرده است . محاکمه بیروت و ریکوئی ها ، محاکمه کسانی که به پناهندگان سیاسی آمریکای مرکزی پناه داده اند ، توانین مهاجرت که خصوصا بر جنبه پناهندگان سیاسی آمریکای لاتین عمل میکند ، نمونه هایی از سیاست جدید ایالات متحده است ، تبلیغات ضد کمونیستی روز به روز افزایش می یابد ، آزدید ایالات متحده طرح و عدالت مترادف است با کمونیسم . در شرایطی که آنجا سراسر از سلسلتاریم و دخالت آشکار و پنهان آمریکا در جهان سوم دفاع می کنند نیروهای مترقی و انقلابی دنیا خصوصا در آمریکای مرکزی و شیلی مضم تراز همیشه مبارزه خود ادامه میدهند .

طلوع سوسیالیسم سردیگ است و خلسی ها رچشم کنورهای آزاد شده را برافراشته خواهند ساخت .

رفقای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران !

پیروزی حتمی است .

سرنگون باد رژیمهای سرکوبگر خمینی و سوسیالیسم
سرنگون باد امپریالیسم

رنده ما سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و مردم ایران
جنبش چپ انقلابی شیلی (میر)



پیام دفتر سیاسی اتحاد سوسیالیستهای سازمانده

پیام کمیته مرکزی حزب انقلابی تمام خلقهای آفریقا

بمناسبت شانزدهمین سالگرد استقرار ساختار سیاسی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران اتحاد سوسیالیستهای سازمانده همبستگی خود را با مبارزات سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بمنظور سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی برهبری آیت الله خمینی اعلام میدارد. از زمان تشکیل سازمان چریکهای فدائی خلق ایران اعضاء آن مبارزه قهرمانانه‌ای را علیه نیروهای ارتجاعی دردوره سلطنت پهلوی و سپس دوره حکومت جمهوری اسلامی در تحت سخت‌ترین شرایط سرکوب و خفقات ادامه دادند. کارنامه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران درست برخلاف خیانت‌های حزب توده و جریان اکثریت است. حزب توده به اصل اولیه سوسیالیسم و مواضع طبقه کارگر خیانت کرده است. این خیانت نشانه خود را در آماجگی کامل این جریان بصرای همکاری با جمهوری اسلامی در سرکوب سوسیالیستها و مبارزان طبقه کارگرنشان داده است. اکثریت نیز بی‌پرسی خود را در دفاع از رژیم جمهوری اسلامی نشان داده است. از طبقه کارگر خواست تا از این رژیم بدلیل "فدائیسازی" بودن آن حمایت نکند.

رفقای عزیز!
بمناسبت شانزدهمین سال بنمانگاری دلیرانه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران حزب انقلابی تمام خلقهای آفریقا از خود را در کنار رفقهای مترقی دنیا در دو همبستگی استوار خود را به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و هواداراناش تقدیم دارد. تاریخ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و سهم‌اش در مبارزه توده‌های ایرانی در جهت بدست آوردن پیروزی غیرقابل اجتناب بر نیروهای امپریالیسم به رهبری آمریکا، احترام و حمایت همه مردم تحت ستم را در سراسر دنیا برپا انگیزد. خلقهای تحت ستمی که خود در جهت نابودی سلطه سیستم ارتجاعی، بی‌رحم و بی‌پسند امپریالیستی و راننده‌های ستمگر، استعمار و استعمارنو، صهیونیسم و استعمار را بر زمینها بر می‌خیزند. ما سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را در تشدید آموزش سیاسی و تشکیلاتی توده‌های ایرانی تشویق مینمائیم. فقط از طریق یک پویا انقلابی است که توده‌ها بر نوشت خود را کنترل نموده و به پتانسیل خود بعنوان خلق پی خواهند برد.
حزب تمام خلقهای آفریقا تسلیم‌ناپذیرانه به حمایت از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و توده‌های ایرانی در مبارزه‌شان بر علیه تمام دشمنان خلق ادامه خواهد داد.

اتحاد سوسیالیستهای سازمانده در بریتانیا همچنین از موضع سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در رابطه با جنگ ایران و عراق حمایت میکند. برای کارگران هر دو کشور دشمن در درون مرزهای خودشان است. اتحاد سوسیالیستهای سازمانده درخواست میکند حزب طبقه کارگر حمایت خود را از جنبش شورای ملی مغرب و جریان طرفدار سرمایه‌داری مجاهدین قطع کند. پیاده شدن سیاستهای شورای ملی مقاومت مجاهدین تنها موج سرکوب و خفقات طبقه کارگر در ایران را بدنبال خواهد داشت. در عین جنبش کارگری سازمانده در بریتانیا باید گامهای اساسی در اعلام همبستگی با نیروهای چون سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی را بجای آورده برای سرنگونی سرمایه‌داری در ایران و سطح جهانی میداند. اعلام دارد.

مرکز بر امپریالیسم
مرکز بر صهیونیسم
مرکز بر استعمار مهاجر
مرکز بر استعمار نسو

زنده باد توده‌های ایرانی
رنده باد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سهمبستگی انقلابی:

کمیته مرکزی حزب انقلابی تمام خلقهای آفریقا
اول فوریه ۱۹۸۷

دفتر سیاسی اتحاد سوسیالیستهای سازمانده
۲۰ فوریه ۱۹۸۷

پیام سازمان راه انقلابی

رفقا!

ما انقلابیونیم که با سرکارت آمدن خونتای فاشیست در ۱۲ سینا میر. تیر ما با بدرزندانها مقاومت کردیم. و از اندیشه‌های انضباطی خود در دادگاه دفاع نمودیم. ما سازمان راه انقلابی بر گریس سازمان سانی سرکند هستیم که هنوز در محاکمه ۲۲۵ نفر از اعضاء آن ادامه دارد. از مبارزات رهائی‌بخش خلقهای ایران و عراق سیاسی سکیم و همبستگی خودمان را اعلام میکنیم.

سازمان راه انقلابی
سازمان راه انقلابی

سازمان راه انقلابی

رفقا!

همراه با دروهای انقلابی، خواهانیم که مراتب همبستگی خود را از مبارزات توده‌های رحمتکن ایران علیه رژیم فاشیستی- ارتجاعی به آگاهی‌تان برسانیم. و فراموش نکنیم که خلقهای سرکند ما احساسات همبستگی‌شان در کنار شما قرار دارند.

جنگ ما بین ایران و عراق در حال و زمانه. بدون انکسند خلقهای دو کشور در آن ذی‌سهم باشند. ما بد تمام مداوم دارد. وجود یک چنین وضعیت راساری در منطقه، امپریالیسم را در پیشبرد سیاستهای منعمت‌طلبانه‌تان تار می‌راند. همچنان رژیم‌های هر دو کشور با استفاده از ظرفیتهای جنگ می‌توانند بر مسائل ناشی از بمبارانهای طبعی کشور خود، سرسری بگردانند.



رسانایز سیاهکل

کل شخماً درسیاهکل ستاد عملیات تشکیل داد و عملیات را رهبری میکرد. غلامرضا، برادرشاه هم برای بازرسی و سرکشی به سیاهکل اعزام شده بود. افراد هنگ زاندارمری گیلان تمام خطوط مواصلاتی منطقه را شدیداً کنترل میکردند و منطقه را به محاصره درآورده بودند. یک گردان ارتش از پادگان منجیل به سمت منطقه به حرکت درآمده بود.

فدائیان کوهستان مدت ۲۸ ساعت با طوای متمرکز دشمن بیگار کردند و آنگاه که مهاجمان به پایان رسیدند، دو نفرشان با دست زدن به عمل فدائی با انفجار نارنجک خودشان را با چند تن از عوامل دشمن نابود ساختند و دو نفر دیگر که رمقی در تن نداشتند به اسارت دشمن درآمدند. یکی از افراد توانست از محاصره خارج شود که چند روز بعد در ۱۸ اسفند در حوالی یک روستا به طور نیمه جان یافته شد. بدین ترتیب از دسته تنفسی کوهستان ۷ نفر به اسارت دشمن درآمدند و دوش در جنگل به شهادت رسیدند.

اگرچه رژیم شاه در ابتدا کمان میکرد با تسبیح عظیم نیرو و سرکوب و کشتن حماسه سازان سیاهکل از پی آمدهای آن در امان خواهد بود، اما پراکنده شدن شعله های سیاهکل، بویژه اعدام انقلابی فرسیو جنایتکار عامل تیرباران سیزده فدائی، در جاسعه و لوله افکند رژیم را کاملاً در برابر عظمت سیاهکل به لرزه در آورد. بناچار رژیم شاه به اسباب امپریالیستانه ظاهراً سازی را کنار گذاشت و برای دستیابی به فدائیان شناخته شده جایزه های مدھزار تومانی تعیین نمود و عکس های آنان را بر در دیوار شهرها و روستاها چسباند. اما در این مورد نیز بسیاری از توده های کارگر و زحمتکش آگاه عکسها را از دیوارها کنده و آذین بخش خاند و کاتبه محقر خود کردند. دیگر سارمان چریکهای فدائی خلق ایران بمان سازمانی سنگر و مدافع منافع طبقه کارگر با گرفتند و دو صیرفت ما پیوند هر حد عمیق تر با جنبش طبقه کارگر برچشم سرخ انقلاب را برافراشته دارد.

سارمان نارنجی از تجربه جنگل فعالیت خود را هر چه بتوان ترکسترش داد و مردم مرات جدیدی بر موجودیست رژیم وارد مساحت. اگر چه در این کارزار سیاسی محفل براب بلسی نیز میکشت.

در صفحه ۱۸

اجتماعی از توده ها، میکوشید امنیت مطلوب امپریالیست ها و سرمایه داران را تامین کند و بیش از پیش ثروتهای جامعه و دسترخی کارگران و زحمتکشان را به بینما ببرد.

سیاهکل تعرض به رژیم بود که ایران را بصورت بزرگترین پایگاه نظامی سیاسی و اقتصادی امپریالیسم جهانی در منطقه در آورده بود و علاوه بر سرکوب داخلی، زاندارم و وفادار امپریالیسم در خاور میانه و خلیج فارس شده بود. در چنان موقعیتی، بویژه با توجه به سیاستها سازشکارانه و خائسانه حرب توده که اعتماد توده ها را نسبت به سبش آهنگ خدشه دار ساخته بود. مهمترین وظیفه کمونیستها پایان دادن به چنین وضعیتی بود، شرایطی که به گفته رفیق جان باخته مان امیر پرویز پویان: "روشنفکران انقلابی هنوز فاقد هرگونه رابطه مستقیم با توده ها بودند و جو و حثت و خفقان حاکم نیز ایجاد هرگونه رابطه میان آنها را دشوار ساخته بود." ظلم این ضعف باید شکسته میشد، محافل و گروههای جدا از هم می بایست جای خود را به یک سازمان منسجم، با برنامه و ادامه کار میداد و ارتباط مستقیم و استوار با توده ها باید بوجود می آمد. این همه باید در شرایطی تحقق می یافت که هنوز تا شهرات خیانت باز حزب توده در ذهن کارگران زود توده نشده و همچون مانع بزرگی در حرکت پیش آهنگ انقلابی بحساب می آمد. حماسه سیاهکل تند آسا این ظلم را درهم شکست.

وحثت و هراس شاه و امپریالیسم از حمله رفا به پایگاه سیاهکل آنچنان برای رژیم سرمایه داری مرگ آور بود که رژیم نیروی عظیمی را برای سرکوب آنها به شمال و جنگل اعزام داشت. حملات اشرف سازمانگر ارزشمند مان در دادداشتها خود در مورد حماسه سیاهکل می نویسند: "فرماندهی دسه کوهسان هیچگاه پیش بینی نمیکرد که دشمن جس سرزی عظیمی را برای نابودی دسه کوچک دست فتری کوه گسل دارد. سپید اوسی فرمانده زاندارمری

اسماعیل معینی عراقی، محدث قندچی، عباس دانش بهزادی، شعاع الدین مشیدی، هادی فاضلی، ناصر سیف دلیل فاضلی، هادی بنده خدا لنگرودی، غفور حسن پوراصیل، محمدرحیم سماشی و مهدی سحاقی با بذل جان خویش عملاً تولد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را اعلام و به اشرا ت دهها سال خیانت حزب توده به جنبش کارگران و زحمتکشان ایران پایان دادند و تحقق اهداف طبقه کارگر و حزب کمونیست ایران تاسیس شده در ۱۲۹۹ را در دستور کار سازمان قرار دادند.

رستاخیز سیاهکل از این نظر نقطه عطفی در مبارزه طبقاتی ایران است که باس بهرگوشی و بی عملی سرپای وجود روشنفکران در پیله خزیده را فرا گرفته بود و حزب توده این جسم خیانت بواقع سد راه جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان جامعه گشته بود.

عظمت حماسه سیاهکل در این نهفته است که با امالت هسته شوریک و پراتیک خود نه تنها به زندگی محفلی روشنفکران خاتمه بخشید و حزب توده را تارخاً بگور سپرد، بلکه خالوده سازمانی ستیزه جو، مقاوم، ادامه کار، بهیثرو و بیشتا از طبقه کارگر و مسلح به مارکسیست-لنینیست را بنیاد نهاد.

سیاهکل بار دیگر عظمت و حقانیت سی چون و چرای آرمان طبقه کارگر، کمونیسم را که حزب توده خاش تلاش در مخدوش کردن آن در اذهان توده ها کرده بود، روشن تر و بدیع تر و سرخ تر در پیش روی توده های استثمار شده و ستمدیده ایران قرار داد و نوید رهائی بهیشت ستمدیده از نظام سرمایه داری را در دل کارگران و زحمتکشان شعله و ساخت.

سیاهکل تنها یک عملیات نظامی نهرمانان جدا از توده ها نبود. سیاهکل حمل طغیان، غلبان و کوبندگی خشم کارگران و زحمتکشان جامعه از نظم موجود زحمت از دوران سکون، بی حرکتی و ریشیای عقیم و خفت بار ابرونویست های توده ای بود. سیاهکل خط بطلانی بر تمامی موارد یاد شده بود.

عملیات دلبرانانه فدائیان خلق در سیاهکل بعد از فرم شاه مزدور موسوم به غلاب سعید و سرکوب آخرین حرکت های توده ای، نخستین شعله مبارزه مسلحانه دامه دار علیه رژیم شاه بود که با سلسب فدائی بر بن حقوق و آزادیهای سیاسی و

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دیکراتیک خلقهای ایران

مروری بر

مهمترین درسهای

انقلاب

تغییر و تحولات اساسی را می طلبید. بنا کشتار ۱۷ شهریور جنبش وارد مرحله نویسی گردید. دیگر محرکه سوهمیست به رژیم شاه وجود نداشت. توده های مردم دیگر به هیچ وجه نظم موجود را پذیرا نبودند. اکنون دیگر نه تنها نمیخواستند بلکه نمیتوانستند به سیاق گذشته زندگی کنند. آنها حاضر به هرگونه مذاکراتی و از خودگذشتگی برای تغییر وضعیت موجود و شرایط زندگی شان بودند. در چسب و قضیتهای در میان طبقات حاکمه و دستگاه دولتی آنها نیز شکافی عمیق ایجاد شده بود. آنها نیز دیگر نمیتوانستند همانند گذشته بر توده های مردم حکومت کنند. شکاف در اردوی ضد انقلاب و در میان دسته بندی های آنها هر دم فزونی میکرد. دستگاه دولتی با از هم گسختگی روبرو میشد. در صفوف ارتش شکاف می افتاد و بخشهایی از ارتش بویژه سربازان نجاب توده ها روی می آوردند. وضعیت رژیم شاه بسیار وخیم تر از آن شده بود که حتی لایه و زاری تلویزیونی شاه از شنیدن صدای انقلاب بتواند او را نجات دهد. از دولتی نظامی از هاری هم دیگر کاری ساخته نبود. دامنه اعتراضات توده ای مدام گسترش می یافت. دیگر راهپیمایی های خیابانی و تظاهرات پراکنده کافی نبود. این شکلهای مبارزه با اشکال نوینی تلقین می شدند. اعتمادات اقتصادی فزونی میکرد و سرعت تبدیل به اعتماد عمومی سیاسی برتری میگردد. مرور اعداد عمری سیاسی شکل عمده مبارزه شده ها گردید. از این زمان تا ملاحظه و لمس کننده طیفی کارگردانان روس گردید. کارگران قهرمان صفت با نطق صدور نفت مرده طبع کننده راه رژیم وارد آوردند. بولند در کارخانه ها مرده و تمام سیم با احتلال روبرو گردید.

سردهای مردم اسکار عمل انقلابی را در دست گرفته بودند. سوراخانی کداز درون اعتماد عمومی سیاسی برتری آورد. کمیته های محلات تمام ایران را در دست می گرفتند. برده ها تمام ایران را در دست انقلابی می بردند و درون سوره سید هرگونه قانون و مقررات بر محسن آزادی سیاسی را شک برده بودند. انانند سخن می گفتند. سید و سیدان یک کل میدانند. محسن می سخن گفتند و فدائیان

سورژواری متوسط تا آن حد خواستار شرکت مردم در مبارزه علیه رژیم شاه بود که نه تنها به ارکان و بنیاد نظام اقتصادی- اجتماعی موجود خللی وارد نمیآورد بلکه ارگانها و نهادهای کهنه قدرت دولتی نیز دست نخورده باقی بمانند. رهبر که او برای حفظ نظام سرما به داری. سرکوب مردم و تامین منافع خویش به این ارگانها و نهادهای نیاز داشت. نمایندگان سیاسی این جریانها نظیر جبهه ملی، نهضت آزادی و امثالهم خواستار کاسته شدن از قدرت متمرکز شاه و دربار، اجرای قانون اساسی و سهم بیشتر در استعمار بودند. آنها شمار میداند شاه باید سلطنت کند و نه حکومت. اما توده های مردم ایران که سالها سیاستهای فرصت طلبانه و سازشکارانه این جریانها را تجربه کرده بودند، به شمارهای اینان تمکین نکردند و به مبارزه خود ادامه دادند. رویداد ۱۷ شهریور و کشتار وسیع توده های مردم بیش از پیش هرگونه توهمی را در درون جنبش نسبت به شمارهای لیبرالها از میان برد و منجر به انفراد هر چه بیشتر مدافعین شمار شاه باید سلطنت کند نه حکومت، گردید.

دومین درس انقلاب این بود، که اپورسیونهای ضد انقلابی سورژواری متوسط نظیر لیبرالها که از خلق و مبارزه انقلابی توده ها هراس دارند، در چنین انقلاب سلاخی میکنند تا با گرفتن امتیازاتی به نفع خود و سازش با جناح حاکم خلق را برپای نمایند. آنها با اساس و ارکان نظام ستمگانه حاکم مخالفتی ندارند. و همیشه میکوشند درخواستهای توده ها را به یک رشته فرم های ناچیز محدود کنند و جنبش انقلابی توده های مردم را به انحراف بکشند.

رویداد ۱۷ شهریور نقطه عطف نویسی در مبارزات توده های مردم ایران بود. رژیم شاه که برنامه های فریب کارانه خود را با شکست قطعی روبرو کرد. کیمبار دیگر سیاست سرکوب گسترده را در دستور کار قرار داد. تا این زمان شکل عمده مبارزه توده ها راهپیمایی های مسالمت آمیز بود. در روز ۱۷ شهریور راهپیمایی مسالمت آمیز توده های مردم در تهران توسط مزدوران رژیم شاه بحران کشنده شد. بیش از چهار هزار تن در آن روز کشته شدند و در بازده شهر حکومت نظامی اعلام گردید.

اما بحران عمیق تر از آن بود که رژیم شاه نتواند در برابر رشد واعتمادت های استنادی کند. حسی

مرحمن می بردند. اس سومس درس انقلاب بود. انقلاب شان داد که سها مبارزه انقلابی توده ها منوادم بر محسن راه عقب نشینی و ادار و خواستهای توده ها را عملی سازد. بدون مبارزه انقلابی توده ها، بوسدون هیچ انگاشتی قوانین و مقررات رژیم شاه از سوی آنها، ممکن نبود بتوانند آزادی سیاسی را بدست آورند. ارگانهای اقتدار خود را بنا کنند. و به اعمال اتوریته انقلابی بپردازند. این درس انقلاب بویژه امروز از آن جهت دارای اهمیت است که توده های مردم ایران با توجه به سراسی مبارزه انقلابی خود علیه رژیم شاه باید آگاه باشند که بدون یک رشته مبارزه پیگیر و انقلابی علیه رژیم جمهوری اسلامی که ابتدائی ترین حقوق مردم را از آنها طلب کرده است نمی توانست آزادی سیاسی را یکف آورند. و مرتجعین را بلاوقفه به عقب نشینی و ادار کند.

در سپردهم آبان ۱۳۵۷ یکبار دیگر ارتش مردور و سرکوبگر رژیم شاه دانشجویان و دانش آموزان را که در دانشگاه تهران تجمع کرده بودند به گلوله بست. اما این سرکوب رژیم نیز نه تنها نتوانست اندک خللی در مبارزات توده ها بدهد آورد. بلکه بالعکس برداشته اعتراض و اعتلا حسیتی توده های افروزد.

اکنون دیگر حتی برای سورژواری حاکم بر ایران و امپریالیسم حاسی آن روشن شده بود که رژیم شاه نمیتواند به حیات تنگین اش ادامه دهد. رشد واعتلا دم افزون مبارزه توده ها تمام سورژواری و امپریالیسم را به هراسی مرکبار دچار ساخته بود. امپریالیستها برای حفظ نظام سرمایه داری حاکم بر ایران تلاشهای وسیعی را آغاز نمودند. کنفرانس گوادولوپ در سها سال ۵۷ با شرکت سران دولتهای امپریالیست تشکیل گردید. امپریالیستها با اتفاق با این نتیجه رسیدند که دیگر ماندن رژیم شاه در ایران ممکن نیست و باید فوراً و تماماً از ایران بیدک دار و دسته ضد انقلابی دیگر انتقال یابد تا موجودیت تمام سیستم حفظ گردد. در برابر این تلاشهای ضد انقلابی سورژواری جهاسی. جنبش انقلابی توده های مردم ایران فاقد یک رهبری قاطع انقلابی نبود که سواد این توطئه ها را تلاشهای فدائیان مرتجعین را نقش بر آب کند و انقلاب را سوی بیروزی قطعی سر برد.



مروزی بر مهمترین درسیهای انقلاب

دستاوردهای انقلابی آن بود.

اما ضدانقلاب بقدرت رسیده در ایران برای تحقق اهداف ضدانقلابی خود تنها به خلع سلاح توده‌ها سرذاخت بلکه همراه با آن بازسازی ارگان ماشین دولتی، ارتش، بوروکراسی و تمامی نهادهای سرکوب را که در حین فتنام مره‌خسورده بودند وظیفه فوری و عاجل خود قرارداد. او تلاش کرد انضباط و وفاداری رادوباره در ارتش احیا نماید، و برای ارتش حیثیتی دست و پا کند. او ارتش را برادر "ملت" خواند و سران مزدوران را که در روزهای قسنام بدستور اربابان خود بمنظور جلوگیری از متلاشی شدن و درهم‌شکستن کامل ارتش پرچم‌های سفید را بر سر در پا دگانه‌ها برافراشته بودند، بعنوان فرماندهان سوگند خورده ارتش جمهوری مامسور سازماندهی دوباره ارتش کرد. مره‌سی یکی از ژنرالهای فدائیلایی دست پرورده شاه و آمریکا بمنسوان رئیس "ستاد ارتش ملی انقلاب" در راس این سازماندهی قرار گرفت. ضدانقلاب کوشید ارتش هم ناآگاهی توده مردمی که تصور میکرد هیئت حاکمه جدید نماینده و بیابکر منافع آنهاست برای این بازسازی ارتش استعداد کند، علاوه بر اس کوشندا استفاده از هر خادنه حزبی و لحظه مناسب با درگیری کردن آن در در و حوردها و درگیری پراکنده بمرور انجام آن زانسان سار گردانند، تا ستواند سوده‌های مردم را سرکوب کند.

تخریسات دوران سار مناصب و توج این مسئله را به اثبات رساند، مادام که ارگانهای ستم و سرکوب رژیم بازسازی نشده بودند، ضدانقلاب در حالت تدافعی بر میبرد و توده‌های مردم انقلاب را به جلو سوق میدادند، کارگران نوراسکسل میدادند، کارخانه‌ها را معادرد میکردند، سرمایه‌داران را دستگیر می نمودند، و تولید را تحت کنترل خویش قرار میدادند. دهقانان به معادرد انقلابی زمینهای رمنسداران برترت سرخاسه بودند، اتحادیه و شورا تشکیل میدادند، و اسکار عمل را در دست میگرفتند، سار را از دریا دگانها با سکل خوراها و اسباب ترمانها ترسید را بر مرخص سگ میکردند، در حین سس مناظو نظر سرکمن صحران و گردستان اسکار عمل در دست سوده‌های ستم بود.

و ضدانقلاب جرات نمیکرد آشکارا آزادیها سیاسی و حقوق دمکراتیک توده‌ها را لگدمال کند، اما به محض اینکه ارگانهای سرکوب را تا حدی بازسازی کرد، تعرض خود را به انقلاب دستاوردهای انقلابی توده‌ها آغاز نمود، خلق عرب را سرکوب کرد، در ترکمن صحرا به قتل عام توده‌ها پرداخت، لشکرکشی وسیع به کردستان را آغاز نمود تعطیل مطبوعات را به بهانه‌های مختلف از سر گرفت، مراکز و دفاتر سازمانهای سیاسی را سرچید، فعالیت علنی آنها را عملاً ممبرع کرد، ممنوعیت میتینگ، نظارات و اجتماعات را به مرحله اجرا آورد. شوراها را انقلابی را متلاشی کرد، قدم بقدم انقلاب را به عقب نشینی وادار نمود و دستاوردهای انقلابی توده‌ها را باز پس گرفت و هنگامیکه به آن مرحله از سازماندهی نیروهای سرکوب و ستمگری خود دست یافت که یک تعرض همه‌جانبه را به توده‌ها و انقلاب آغاز نماید، لحظه‌ای درنگ نکرد، از تیرماه سال ۶۰ بسورس گسترده و پیردامنه خود را آغاز کرد، تمام دستاوردهای انقلابی توده‌ها را از آنها سارس گرفت، هرگونه آزادی سیاسی را از میان برد، دهها هزار سار به جوخه اعدام سرد، دهها هزار سار دیگر را به زندان افکند، دیکتاتوری عربان و عنان کسخته خود را با اسکاره سرزی فخر و سرکوب فدائیلایی سرخاسه حاکم کرد، و چنان شرایطی بدست آورد که نه تنها امروز پس از گذشت ۸ سال از فتنام هیچیک از در خواستهای دمکراتیک - فدائیلایی بر نمانده‌های مردم تحقق نیافتند، بلکه شرایط زندگی آنها از هر حیث شاق و طاقت فرسا شده است.

سمن درس انقلاب به توده‌ها می‌آمورد که اگر انقلاب سیمه کاره باقی نماند، و در سمر راه متوقف گردد و تاسا بیروزی فطنی بین سرود، ضدانقلاب برای شکست فطنی انقلاب فوری ترین و عاجل ترین وظیفه خود را خلع سلاح توده‌ها و بازسازی ارگانها و نهادها را سرکوب و ستمگری که در حین انقلاب مره‌خسورده‌اند، فرار میدهد و با استفاده از هر فرصت مناسب قدم بقدم انقلاب را به عقب نشینی و امیدارد، و دست آوردهای انقلابی توده‌های مردم را از آنها سارس میگردد.

برندی سس که سوده‌های سرورده ایران زیر سار شرایط حاکم و عدم تخمین و طانند انقلاب، باز دیگر سگ فتنام مجدد بر سحرید، تا برای اسکل دیگر دستاوردهای انقلابی آنها عرصه‌ها را جگری

طبقه کارگر، ضلع آگاهی توده‌ها و اعتماد ناشی از زودبآوری باعث گردید که قدرت سیاسی مجدداً در دست ضدانقلاب قرار گیرد و کنترل بلاواسطه حکومت بدست مردم نیافتد. و از سوی دیگر توده مردم ابتکار عمل را در دست گرفته، مسلح شده بودند، ضرباتی جدی بر پیکر ابزارهای ستم و سرکوب طبقه حاکمه، ارتش، پلیس، ژاندارمری ساواک و غیره وارد آورده بودند و بسا ایجا دوگمترش شوراها را کارخانه، شوراها را سرمایه‌داران و دهقانان، معادرد کارخانه و املاک سرمایه‌داران و زمینداران، خواستار نداوم انقلاب بودند. این دورشسسه نتایج انقلاب در سراسر دوران پس از قسنام در همه عرصه‌ها خود را به شکل تمام دوگمکش انقلاب و ضدانقلاب برور داده است.

ضدانقلاب تازه بقدرت رسیده پس از آنکه توده‌های مردم به قیام مسلحانه برخاستند و مسلح شدند با وضعیت سیاسی پیچیده‌ای روبرو بود. اونمی توانست در حالیکه توده‌های مردم مسلح بودند، ابتکار عمل انقلابی را در دست داشتند، و با سلاح از دستاوردهای انقلابی خود حراست میکردند، به بازسازی نظم ستمگرانه سرمایه‌داری و بازسازی دستگاه دولتی موجود سپردند، نظم و امنیت گذاشتن اثر را برقرار نماید و انقلاب را بشکست قطعی نکنند. از این رومقدم بر هر چیز خلع سلاح سوده‌ها، بازسازی ارتش و بوروکراسی و کلمت ماشین دولتی را در دستور کار قرار داد. سار سوز و آزی چیری و خشتناک تر و هولناک تر از مسلح شدن توده‌ها نیست، سوده‌ای که سلاح بدست میگیرد نشان میدهد که میخواهد طوق اسارت و ستمی، ستم و استعمار را بر اندازد. ضدانقلاب که بر بوم ناشی از ناآگاهی ورودبآوری توده‌ها سکا، داشت تلاطمه پس از قیام از توده‌ها خواست که سلاح بر زمین بگذارند و آنرا بدولت ضدانقلاب تحویل دهند. خمیسی مرتجع که در روزهای قیام نتوانسته بود محوم توده‌ها را برای درهم‌شکستن ارگانها سرکوب کند، در ۲۴ سمن اعلام کرد که "تا دم تمام اسلحه‌هایی که در دست مردم است جمع شود" آری، ضدانقلاب سیاسی تحت ستم توده‌های مردم را به سر سوه ممکن خلع سلاح کند، با سواسند سارگران و رجمکشان ایران را سرکوب کند و دستاوردهای انقلابی شان را از آنها سرکوب کرد.

اکنون پس از گذشت ۸ سال از فتنام سار خمیسی سار همسند آشکار شده است - خلع سلاح سوده‌ها سس سگام صد - ستم برای سرکوب خلق و سار سال سمود



مروزی بر

مهمترین درسهای

انقلاب

در عرض ایچا دارگانهای اقتدارتوده ای همچون شوراها و تسلیح عمومی خلق همیشه پیروزیهای توده ها نیمه کاره باقی خواهد ماند و ضدانقلاب در اولین فرصت دستاوردهای انقلابی آنها را با زپس خواهد گرفت .

- مسئله اساسی هر انقلاب کسب قدرت سیاسی است ، توده های مردمی که سه انقلاب برمیگزینند اگر خود را آقا قدرت سیاسی را در دست نگیرند ، پیروزیها و دستاوردهای انقلابی آنها هر چند هم عظیم باشد ، با این وجود ، انقلاب سرانجام با شکست روبرو خواهد شد .

- تنها مبارزه انقلابی توده ها و تعرض مداوم علیه ضدانقلاب میتواند منجر به تحقق درخواستهای انقلابی توده ها گردد . بدون یک رشته مبارزه آشکارسار و انقلابی توده ای ، تحقق خواسته های توده های مردم ممکن نیست .

- تجربه انقلاب ایران نفس اعصاب عمومی سیاسی و تمام سلحجان را آسموان مناسب ترین انگال مبارزه انقلابی برای سرنگونی طبقات حاکمه ارضاعی نشان

مدان انقلاب فرار نگیرد و انقلاب به سرانجام پیروز مندن برسد ، باید درسهای انقلاب را بدقت فرا گیرند و بدانند که : بسدون رهبری طبقه کارگر بر جنبش ، انقلاب به پیروزی قطعی نخواهد رسید . انقلاب طبقاتی و نهایتاً تمامی تمام اقشار و طبقات جامعه و نمایندگان سیاسی آنها را عریان کرد . انقلاب نشان داد که تمام طبقات و اقشار جامعه بیک سان برای دگرگونی و تحسول انقلابی جامعه مبارزه نمیکنند و هر یک از زاویه منافع طبقاتی خود به تحولات مینگرند . طبقه کارگر تنها طبقه ای است که منافع اش در تحولات اساسی و بنیادی جامعه نهفته است ، هیچ قیدوبندی او را به حفظ نظم موجود وانمیدارد . و تنها طبقه ای است که شایسته ولایت رهبری انقلاب است . اما خرده بورژوازی بنا به موقعیت اقتصادی و سیاسی خود دارای سرشتی متناقض است ، تزلزل و نا استواری ذاتی این اقشار سبب میگردد که هیچگاه نتواند انقلاب را رهبری کنند و به پیروزی برسانند . خرده بورژوازی در غیاب رهبری طبقه کارگر بدینا له روی از بورژوازی می بردارد ، و نمایندگان سیاسی آن به ساراش با بورژوازی دست میزنند :

- بدون درهم شکستن سر تا پای ماشین دولتی ، تلاشی کردن تمام ابزارها و ارگانهای ستمگری بورژوازی و

داد . اعتماد عمومی سیاسی که برپا کنند . آن اساساً طبقه کارگر است ، قادر است ، رژیم را در تمام عرصه ها فلج کند ، منابع تغذیه و درآمد آنرا قطع نماید ، و آنرا بزانو در آورد ، اما اعتماد به تنهایی کافی نیست ، مکمل اعتماد عمومی سیاسی قسام سلحجان توده ای برای سرنگونی طبقات حاکمه است .

- در حین هر انقلاب ، سازشکاران و فرصت طلبان میگویند با نفوذ در جنبش و کسب رهبری آن انقلاب را از مسیر خود منحرف نمایند . توده های مردم در هر انقلاب باید هشیارانه این تلاشهای ارتجاعی را نقش بر آب کند ، و اسپر فریبهای دغل کاران و سازشکاران و فریبست نشوند .

- انقلاب ایران نشان داد که اعتماد ناشی از روبرو با وری و نا آگاهی توده ها میتواند بزرگترین لغات را به انقلاب وارد آورد . توده های مردم ایران باید درس گیری از تجارب اخیر خود دیگر فریب وعده و وعیدهای دروغیمن فرصت طلبان را نخورد و سهر کن که وعده دمکراسی ، رفاه و آزادی را به آنها داد اعتماد نکند بلکه باید منای اعتماد خود را به هر سارمان و جریان سیاسی بر اساس عملکرد ، برنامه ، سیاست و سابق سارمانی آن جریان قرار دهند .

بیاد رفیق

جهان



- جهان" کمونیست
- جهان" امروز
- جهان" آینده
- جهان" کارگران
- جهان" حیان
- جهان" بینک
- جهان" داس
- جهان" برج برفچ

"جهان" کمونیست

"جهان" چپ دس سسک

چپ دس ار میدان "سوس

با میدان فرو

- میدان آزادی -

چپ دس ار فرو آزادی

تا میدان انقلاب

چپ دس ار فرار خودروه های کسار و

.....

یاد رفیق

★ قاسم سیادتی

گرامی باد

قلب قاسم را از زمین بار ایساند که او به همراه سی جدار دگر رفتن با پیشانی توده ها و با فریاد پیروزی خلق مردوران شاه را در ساخمان مرکزی رادسو در میدان ارک درو میگرد . اگرچه او در اس سرد حبسی جان با حان نا بوده ها تا یک پیروزی را از رادسو دگرسی حیا سان رساندند . بدن سان نام و یاد سار انحرافی در تمام و تمام با راد دگر سار ان جاودانه تاریخ سارزایی سسندگان و سسندگان سار ان گد .

تکاپو برای . . .

عدا با دس . که ارضاع بوی مرور رژیم حسی بورژوازی متوسط و کوچک را آزادی حواد کرده است . ار همین رو باید سار فلم و دسی انتلاف سورد و سقابله با اس ریم ساد سرجاس و در این راه چپه محدکارگری را دکمک طلسم و بر مینای " فصل مشترک احزاب سیاسی " برای پرکردن این حفره انتدقیار از زمان داد . راه کارگر حتی میگوید " طرح دمکراسی به نوبت مغرله ای طبقاتی موجب رمیدن غیر چپ میشود " .

اسا سار احد که راه کارگر میگوید حسر " چپه متحد خلق " و دمکراسی ملی " چه چیز دیگری است ؟ بر منای چنین تصور مشترکی " اسد که راه کارگر با یک سوب سیاسی خود را سسند اکثریتی سسای کشتگری رسنا سس میگرد ؛ در عمل مدنها قبل پی گیری توده بود ؛ و راه حبت " ششی سوب انتلایبون کسرتیست " (چپ دس حدس ربرسی ؛ سوار تر میگرد .



سیمای شهرها درویز بیمارانهای هوائی

کشته ها و خساراتی است که بمباران ۶ هفته ای شهرها بر جای گذاشته است .

در چنین شرایطی که بمباران مداوم شهرها هر روز جان عده ای را میکشد ، مردم از ادامه کشتار به ستوه آمده بودند ، خمینی در پیام به خانواده های قربانیان جنگ گفت : " مبارک باد بر خانواده های عزیز شهدا و مفقودین و اسرا و جانبازان و بهر ملت ایران که با استقامت و پایداری و پایداری خویش به پنیانسی رسولی مبدل گشته اند که نه تهدید و سرافکندگی آنها را به هراس می افکند و نه از محاصره ها و کمبوندها به فغان میبندد و نه از جنابیت و وحشیگری های مدام دیوانه و افسارگسیخته و روبه زوال در زدن شهرها رو بران کردن خانه ها و مساجد و بیمارستانها خم به ابرو می آورند . ملت ما کمربندها را محکم بسته اند و از زن و مرد و پسر و جوان همه و همه بجز تعداد انگشت شماری منافق خود فروخته جاسوس و سایر وابستگان به استکبار جهانی در صحنه نبرد حسیق در برابر باطل ایستاده اند و بر یکدیگر سبقت میجویند . باید تمامی قدرتها و اسفدرتها بدانند که ما تا آخرین نفس و تا آخرین منزل و تا آخرین قطره خون برای اعتلای کلمت الله ایستاده ایم ."

دو باره خمینی در ۲۱ بهمن در جمع میهمانان ده فجر جمهوری اسلامی گفت : " تمامی بنیند با اینکه هر روز تقریباً ایران زده میشود و عده کثیری از مردم عادی داره خراب میشه خانه ها روشن ، معذالک از همون زیر آوار که در ساینده حرفشون این است که ما باید تا پیروزی جنگ کنیم ."

اما آنچه واقعاً در شهرها جریان داشت ، کاملاً در جهت عکس سخنان خمینیسی بود ، خمینی در واقع آروها و آمال خود را بیان میکرد حال آنکه بمباران ۶ هفته ای شهرها نشان داد که بر حسیق حاکمیت و توده های جنگ دویر خوردار هیچ رس متفوات است .

پس از بمبارانهای مداوم کرمانشاه ، در این شهرتظارهایی علیه جنگ برپا شد . ۳۰ دسام مردم همدان ، بحال آمده اند بمبارانهای هوایی دست به نظا هراسان زدند . در همدان اس نظا هرات مزدوران به روی مردم آس گوردید رسدادی کشید و رحمی بر جای ماند .

در ضل ۶ هفته ، ۵۰ شهرونا حسیق

بمباران شدند آنچه در تمام مناطقی بمباران شده عمومیت داشت ، ترک شهرها توسط مردم بود . مردم حکا ارتجاعی را جنگ خود نمیدانند و حاضر نیستند قربانی آن شوند .

تا تاریخ ۱۲ بهمن قریب ۴۰ بمب در تبریز انداخته شد . شهر تبریز در این تاریخ تقریباً خالی بود . در نقاط مختلف شهر کنار خیابانها سنگرهاشی کنده اند با این عنوان که هنگام حملسه هوایی مردم به آن پناه ببرند ولی اکثر مردم میکوبید که این حاله هارا کنده اند تا وقتی مردم علیه مردم برخواستند ، پاسداران از این جالدها بعنوان سنگر استفاده کنند .

در پیروجرده مردم اکثراً شهر را طی بمبارانها تخلیه کردند . شهرهای اراک ، قم ، تهران و کرمانشاه نیز طی بمبارانها تخلیه شد . در اواسط بهمن ماه شهر تبریز تقریباً خالی ارسکه بود ، مدارس عملاً توسط دانش آموزان تعطیل شده بود و آموزش و پرورش هم در ۱۸ بهمن با ریش برف راپناهانه کرد و بخشنا مدای داد مبنی بر اینک تعلت بیروند هوا مدارس تا اطلاع ثانوی تعطیل است . مردم تبریز حتی بیمارانشان را از بیمارستانها خارج کرده بودند . در حالیکه رژیم مدام از مردم میخواست که در شهرها بمانند . فرماندار تبریز برای فرار از بیمارانشا به همراه خانواده اش به "اسمخ" یکی از روستاهای اطراف تبریز رفت . هیچک از روستائیان حاضر شد او را در خانداس بپذیرد تا اینکه یک پاسدار سراسی حسیق پیدا کرد . بارانیهای تبریز اجناسان را خارج کردند .

در اکثر شهرها هنگامیکه بمبارانی صورت میگرفت ما مورین کمستد و سپاه کتشی هایشان سرعت در محل حاضر میشدند و ماسع جمع مردم میشدند ولی با اینحال پس از هر بمباران سبل جمعیت بطرف نقاط بیماران شده سرازیر میشد . در تهران روز ۲۴ بهمن ماه یعنی یکروز پس از بمباران آریا شهر ، مردم دیگر ساطقی برای دیدن میزان خرابیها و تلفات شد آریا شهر سرازیر شدند و اهالی محل کسد جاندهایشان در اثر بمباران خسارت دیده بود . چگونگی واقع را توضیح میدادند . پاسداران و سبجی هادرماس جمعیت ساس لاس حسیق برسه میدردند ، شدیداً مردم را کسرول میکردند و از گرفتگی هرگوسسد عکس خودداری میکردند .

در سیران از شروع برم بهمن مساد در داسگاهیا ، دانشجویان سیر ساسی در

کلاسهای درس حاضر نشدند و حتی تعدادی از دانشجویان تهرانی نیز به کلاس درس نرفتند . مدارس تبریز بحال نیمه تعطیل در آمده بودند ، عده ای از دانش آموزان به همراه خانواده هایشان به شهرستانها رفتند . در زمان نیمه تعطیل شدن مدارس از سوی دانش آموزان ، این شایعه قوت گرفته بود که بین اگر می وری شهری در رابطه با تعطیل مدارس اختلاف نظر بوده است . اگر می معتقد بوده که مدارس را تعطیل اعلام کنند اما می شهری میگفته که با اعلام رسمی تعطیل مدارس ، شهرتخلیه خواهد شد بهمین جهت باید مدارس باز بمانند ، که با تعطیل مدارس از سوی دانش آموزان دولت بناگزیب مدارس را بطور رسمی تعطیل اعلام کرد .

هنگامیکه سبل جمعیت از تهران به سوی شهرستانها روان بود ، دولت جساده چالوس را از ۲۶ بهمن بمدت ۱۵ روز مسدود اعلام کرد . علت بسته شدن جاده را رژیم نصب دستگاه تهویه برای تونل کنسودان اعلام کرده بود اما مردم معتقد بودند که این عمل برای جلوگیری از ترس تهران توسط مردم انجام گرفته و احتمال دارد جاده هراز رانیز با بهانه سهای سبندد . مردم در صحبت های شان میگفتند رژیم سیر طریق شده میخواهد ما را در شهرها نگه دارد ، رژیم میخواهد ما را زنده بگردد .

ترک شهرها در کردستان جلوه بارزتری داشت . در سبندج مردم از شهر خارج شده و به صحرا و روستاهای اطراف پناه میبردند درگیری بین مردم و پاسداران در دوره بمباران شهرها از حد بالائی برخوردار بود مردم علناً به پاسداران دشنام میدادند . درگیری لفظی و حتی مواردی از کتک کاری با پاسداران گزارش شده است . حتی خبری حاکی اس که در سبندج ۳ پاسدار بدست مردم کشته شده اند . مدارس تعطیل و ادارات دولتی بصورت نیمه تعطیل در آمده و مردم به حواس رژیم مبنی بر حاضر شدن سیرکار اعتناشی نداشتند .

اهالی شهر سبزو زانه صحراهای اطراف پناه میبردند و تنهابه منزل خود در شهر بازمی گشتند . عده ای سبزر در روستاها خانه گراپه کرده و با به منزل اقوام خود رفته بودند . مدارس ابتدائی کاملاً بصورت تعطیل در آمده و مدارس متوسطه نیز از ساعت ۵ تا ۸ بعد از ظهر درس میکردند . شهرها س که هم هدف بمباران قرار میگرفت و هم در سبزر سبوحانه است



سیمای شهرها

درویز بیمارانهای هوائی

نخلیه شده بود مردم بانه به روستاهای اطراف پناه برده بودند. پاسداران حشمگین از خالی شدن شهر بر غوردهسای خشونت آمیزتری با توده های مردمی داشتند که نمیخواستند در اثر بمباران و توپ باران گشته شوند و برای نجات جان خود از شهر خارج میشدند.

با تشدید بمباران هوائی بسیاری از شهرها از سکنه خالی شده بود و برخی از شهرها که دور از مرز عراق نیز بودند با یک کوچ دو طرفه رو برو گشتند. از یکسواهایی خود این شهرها به مناطق اطراف پناهگاه میبردند و از سوی دیگر اهالی شهرهایی که مداوماً بمباران میشدند به این شهرها روی می آوردند.

طبیعی است که این وضعیت به هیچوجه نمیتوانست مطلوب حکومت باشد چه در شرایطی که سران جمهوری اسلامی دائماً مردم را دعوت به ماندن در شهرها میکردند و در شرایطی که سران حکومت در سخنرانی ها جتنون جنگ ظلمی خود را به پای توده ها می گذاشتند. در شرایطی که حتمی مرتجع اعلام کرد تا آخرین نفر تا آخرین خانه و تا آخرین قطره خـسـون کارگران و زحمتکشان جنگ باید تداوم یابد. آنچه به عینت جریان داشتست، مخالفت آشکار و علنی با این جتنون جنگ ظلمی بود. نیمه تعطیل شدن مدارس، دانشگاهها و خالی شدن شهرها بواقع اعلام اعتراض علنی توده ها نسبت به جنگ و بمباران شهرها بود. پس رژیم سیاسی را در پیش گرفت که بزعم خود هم از خروج مردم از شهرها جلوگیری کند و هم سلطه سروهای سرکوبگرش در سطح شهرها هنگام بمبارانها را افزایش دهد. در همین رابطه "هفته بسیج سنگرمازی بسرای سنابله با بمبارانهای هوائی " علم شد. سادی در نخست وزیری تشکیل شد که با همکاری کشته شهرانی، وزاندارمری برنامه طرح ریزی شده را به انجام رساند. سنهنگاهی به مراسمی که طی شروز از هفته بسیج سنگرمازی انجام شد، خود هدف از این طرح را روشن می سازد. در تاریخ ۲۶ بهمن رادیوسو رژیم اعلام کرد: " کمیته انقلاب اسلامی - همکاری ژاندارمری و سازمان اسد داد خذل احمر به منظور آماده کردن سیزوها برای مقابله با بمباران هوائی مانوری - رستر شهید مسطری کمیته انقلاب اسلامی - گرا کردند. در این ماسوراسد: سک

بمب به فرس بمباران هوائی در بیسک ساختمان مخروبه منفجر شد و بلافاصله نیروهای امنیتی و انتظامی کمیته وارد محل شدند و با به محاصره در آوردن محل انفجار و اطراف آن و نیروهای انتظامی برای پیشگیری از هرگونه سرقت احتمالی و دخالت ستون پنجم در محل آسیب دیده امکاناتی برای کار امدادگران فراهم آوردند. نیروهای ژاندارمری نیز به عنوان پشتیبانی از عملیات، اطراف محل مستقر شدند تا در موقع مناسب و نیاز وارد عمل شوند."

قائم مقام کمیته های انقلاب اسلامی نیز در مورد این مانور گفت: " یکی از کمیته های دهگانه ستاد پشتیبانی مناطق جنگی، کمیته امنیتی و انتظامی است که در این کمیته شهرانی و ژاندارمری بسیج و کمیته انقلاب اسلامی شرکت دارند و مسئولیت سرفراری آسیب در مناطق سماران شده را به عهده دارند. مسئولیت کمیته امنیتی و انتظامی در استان تهران به عهده کمیته انقلاب اسلامی است و ایس نهاد موظف است با همکاری سایر نیروها در زمان بمباران شهرها، امنیت را بلافاصله برقرار کند. در زمان بمباران حلقه اول امداد و امنیت توسط نیروهای کمیته تشکیل میشود و پس از پایان کار امدادگران، حفظ و حراست منطقه در شهرها به عهده شهرانی و در خارج محدوده ژاندارمری است." او مانور انجام شده را موفقت آمیز خواند.

سومونه های هر چند محدودی از واکنس توده ها در قبال سماران سهرگساا و سیاستهایی که رژیم در حرس و منافعست بمبارانها در پیش گرفت، بحری سگان میدهند که جنگ ارتجاعی و سمسارار شهرها در تداوم خود ممانعت و سبحتی های فراوانی برای توده ها در ارمنا آورده. همین امر مضافاً شناخت بوده ساسا از ماهیت ارتجاعی رژیم باعث شده است که جنگ همانگونه که در این ساسی مسائل عمده رژیم قرار دارد زحاکمست سیاستهای خود را از طریق آن به پیش میبرد. به محور سمارار را اعتراضات توده ها علیه رژیم سز سبدل نده ساد. حاکمیت جمهوری اسلامی تا حدک گرده خورده است اما جنگ اکسرن بر مداخلات ارتلسد رژیم ابراه اسدازی آن عمل نمکسد و کانال عمده رودروشی کارگران و زحمتکشان با ارتجاع حاکم است.



رسانایر سهاکل

وسعت ضربات در برخی مواقع آنچنان بزرگ بود که بدواً جبران ناپذیری نمود. سوبزه ضربات سالهای ۵۰ و ۵۵ در دوران رژیم شاه و ضربات ۱۳۶۰ در دوران رژیم جمهوری اسلامی. اما با این همه برپایه اراده استوار و تنزلزل ناپذیر و جانبا زیها و مقاومتهای شجاعانه و تلاشهای بی گمراهدا رفیق فدائی و همچنین با اتکاء به حمایت سیدریخ کارگران و زحمتکشان سازخ پای برجایقی ماند و پیکار خونین و سرخ را پیش برد و همچنان به پیش میبرد.

آری، در سراسر دورانی که تا به امروز همچنان ادامه دارد تاریخچه سمارزاسی سرفراز و نشیب سازمان ما گواه روشنی بر اسمان خلل ناپذیر به راه سرخ طبقه کارگر و از موضع این طبقه دفاع از منافع زحمتکشان و دشمنی قاطع و سازش ناپذیر با امپریالیسم سرمایه داران ایورتونیم، رفرمیسم و رویزیونیسم می باشد. مبارزه قاطعی که نه تنها در دوران رژیم شاه بلکه از همسایان نخستین روزهای روی کار آمدن مرتجعین جمهوری اسلامی سیر همچنان بی وقفه ادامه دارد.

" رسده باد سهاکل "

شکست نظامی اخیر

یک شکست سیاسی بزرگ

و فرار از جهد شدید خواهند شد. سمار حمله قریب الوقوع برای پایان دادن به جنگ تا پایان سال جاری که از مدتها پیش توسط دارودسته حاکم عنوان شده نبود، عملاً نوعی آتش بس میان جناحهای رقیب بدست آورده بود. ساعد تحقق این شعار بار دیگر نمادهای درونی هیئت حاکمه سیر شدند خواهد شد. و هر جناح میکوشد حاج دیگر را مسئول نکست ها و واغامت روز ایزون اوضاع معرفی کند. تمام آنچه که دگرشد نشان میدهد شکست نظامی احمر رژیم در عملیات موسوه به کرسلائی ۵۰۲ و ۶ یک شکست سیاسی محسوب میگردد که در پی خود رژیم را سا یک بحران سیاسی بسیار وخیم رو بسرز خواهد ساخت و رود فروبایی و سزگونی آنرا سرخ خواهد کرد.

تکاپو برای تقویت ثقل رفرمیسم جدید

نامزد "تقویت انقلابیون کمونیست" از سوی کشتگرها هستند بکمان است، هرچند در شکل ارائه آن تفاوتهایی مشاهده نمود. تمامی این نیروها به صورتی سازماندهی شده و خودغرض لیبرال را نیروی سازشکار و خودغرضی از زیبایی میکنند. هرچند راه کارگردان حرف ادعا میکنند که تمامی بخش های بورژوازی فدائیتند، اما وقتی که پای سیاستها و عملی بمیان میآید، همان تاکتیکهای سیاسی را ارائه میدهند که سایر نیروهای یاد شده ارائه داده اند.

بر مبنای ارزیابی از توان و رسالت نیروهای طبقاتی است که حزب توده و اکثریت "جبهه متحد خلق" را پیش میکنند. کشتگرها از نقد صوری این جبهه آغوش میزنند و در عمل جبهه متحد خلق را بدون عنایت آن، مطرح میسازند. و راه کارگر برای برگردن حفره هولناک ولایت معیبه سازشکاری را با بورژوازی متوسط کوچک مجاز میداند چرا که این بخش بورژوازی در آرزوهای سیاسی دستخیز است.

بر خورد کشتگرها و ایضا راه کارگر و سایر نامزدهای کشتگرها به نیروهای غیر پرولتری و مترقی نیز بکمان است. در این بخش آرایش نیروهای سیاسی تمامی این جزئیات مجاهدین را که یک نیروی بورژوازی است، از پایگاه طبقاتی اش جدا میسازند و آنرا در راس نیروهای مترقی غیر پرولتری قرار میدهند. این همان سوهای است که کار راه حمایت از جمهوری اسلامی و شخص خمینی کشاند. هیچکدام از این نیروها مشخص نمیسازند که بالاخره معاهدتی موضع کدام طبقه و با تشریح اجتماعی را ماسدگی میکند. استزاع نیروهای سیاسی از پایگاه و مومسج سیاسی شان آن نکرد اپورتونیستی و کاسکارانه ای است که از سوی تمام این سررها - بدرجات گوناگون - دنبال میشود تا قدرت "ماور" شان گذار شود مرتب بوده است. محدود نگردد.

در گزارش سیاسی معوی پلنوم اکثریتی های کشتگری در این مسعود سخواسم که: "در خارج از حوض کمونیستی یکی از نیروهای مهم اپورتونیست برنی خوان سازمان معاهدتی خلق ایران است."

وفتی که لیبرالهای فدائیت از خطه مغز اکثریتی های کشتگری نیروی سازشکار و خودغرضی را میسازند، بی شک نباید از برنی خواهی معاهدتی مناسبت

نیروی مهم اپورتونیست برنی خواه سر تعجب کرد. با وجود این برای درک برخورد های اپورتونیستی اکثریتی های کشتگری سهویده نخواهد بود که تلاش برای ترقی خواهی و مهم بودن را از زبان خودشان بشنویم. گزارش سیاسی می نویسد:

"سازمان مجاهدین در جریان سالهای اخیر بتدریج از موضع دمکراتیک و رادیکال گذشته فاصله گرفته و مشیای ضد دمکراتیک در پیش گرفته است. رویکردی سازمان مجاهدین از دمکراسی، قبل از هر چیز خود را در راس دیده گرفتند و نفس تمسین کننده نوده های مردم را سازماندهی مقاومت بوده ای در سرگونی رژیم و جای استیلا است. بدین روی تنگنمایی خود را در حمایت های بی المللی نشان میدهد. این مشی همچنان در برخورد قیام با همه مبارز مردم، و نمیشود رهبری انقلاب بوس مردم ایران و حکومت جانشین به سازمان بوده است، بیان میشود."

توجه کردید؟ آحر این مشخصه هائی که حتی نیروی همچون اکثریتی های کشتگری هم نمیتوانند آنرا نادیده بگیرند یا ترقی خواهی چه ربط و پیوندی دارد؟ حتی بر اساس همین اظهارات گزارش سیاسی، با کدام ملاک و معیاری معاهدتی نیروی رفرموا د محسوب میشوند؟ آنهم نیروی رفرموا اپورتونیست ترقی خواه!

سهووده است که اگر کمی رند رند کند و بخواهد از گزارش سیاسی کشتگرها ملاکی را برای ترقی خواهی معاهدتی بسازد. در حقیقت خود معاهدتی ناممکن است کشتگرها جایی برای بزک کردنشان هم باقی نگذاشته اند. با این همه در بعضی نظرات اکثریتی های کشتگری معاهدتی، نیروی ترقی خواهی و گزارش سیاسی که در مانده است کدام ملاک را در دسترس بگذارد تا آخره میگوید:

"با این همه مهم از سازمان معاهدتی خلق در مبارزه علیه رژیم کمونیستی غیر قابل انکار است و این مبارزه تا آنجده به استیکه در شرایط حاکم رژیم جمهوری اسلامی مانع اصلی سرنگون شدن معاهدتیستن اصلی مردم ایران است. دارای بخش مبرنی است."

آری، ملاک نامعده است. کشتگرها پس از یک دور کردن در دایره نقد صوری، به همان نقطه ای رسیده اند که مدتی بعد از بودید. زمانی رژیم شاه مانع اصلی سرنگ

جامعه ارزیابی شد بر مبنای مشی رفرمیستی، از مبارزین بر علیه رژیم شاه و شخص آیت الله خمینی حمایت بعمل آمد و تحلیل شد. و با همین ملاک کنونی ترقی خواه نامیده شد. و حال معاهدتی اکثریتی های کشتگری بمنظور انجام مجدد رسالت شان یعنی نفی استبداد طبقاتی کارگران و حفظ نظام سرمایه داری، همان مشی گذشته را در قالبی جدید و سیاسی بازی گرانی جدید تعقیب میکنند.

بر اساس این نقد صوری و حقوقی کشتگرها از گذشته است که راه کارگر اعلام میدارد که دیگر نیازی به مبارزات سیاسی نمی بیند. البته راه کارگر انتقاداتی به گزارش سیاسی کشتگرها وارد می آورد اما این انتقادات بهمان اندازه حدی است که بعد کشتگرها از گذشته شان، بجای مطرح میسازند تفاسیر معیبه که کشتگرها در معیبه مهمی مسائل مطرح میسازند تفاوت اساسی با آنکه که راه کارگر مطرح میکند ندارد. و همین مسئله است که زمینه معیبه نفی ثقل رفرمیسم جدید را تشکیل میدهد.

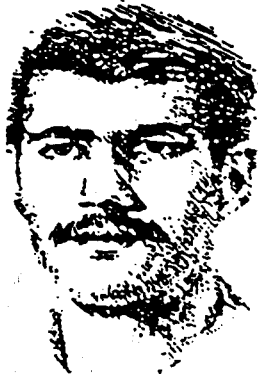
بر اساس این ارزیابی مشترک از معیبه نیروهای طبقاتی و سیاسی، بر این مبارزه ضلعانی و وظیفه عمده این امام است که حلقه ای در تبیین انقلاب سر حاصل مسود و رفرم منطبق میگردد.

اکثریتی های کشتگری میگویند: "رژیم جمهوری اسلامی با نقی آشکار حاکمیت مردم ایران تحت لوای "ولایت فقیه" با ترکیب استبداد سیاسی و اختناق مذهبی مانع اصلی دمکراسی در ایران است" این درست است. اما چه قدرت سیاسی باید جایگزین این رژیم بود؟ در اینجا است که مسئله اشتغال و اهداف و وظائف افشاند مطرح مسود. برای کشتگرها که نیروهای سیاسی را مسترغ از پایگاه طبقاتی سرری میکنند و خود را مجاز میدانند نیروهای حیدر سرک" سهویده شراب منحن هر دور در با توانی مشترک معیبه سرید. تقییم انقلاب و قدرت سیاسی متناظر با آن مناسبت منطبق با معیبه سیاسی سازگاری وجود صوری بورژوازی لیبرال نیستن بود. چنین معیبه ای و قدرت سیاسی متناظر آن هیچ نیست مگر "جبهه خلق" و "دمکراسی ملی" که از سوی حزب توده و اکثریت عنوان میشود.

راه کارگر که میگوید: راه کارگر میگوید که دمکراسی پرولتری و دمکراسی بورژوازی هر دو از حفره هولناک ولایت معیبه در

گرامی باد یاد رفیق

حمید مؤمنی



سارمان چریکهای فدائی خلق ایران در طول حیات خونبارش رفقای گرانقدر بسیاری را در راه انقلاب از دست داده است. از جمله رفقای که نقش برجسته در ارتقاء ثنوریک سازمان داشت بوسنده ومورج انفضی فدائی خلق رفیق حمدمؤمنی می باشد .
حمدمؤمنی در سال ۱۳۵۲ با توجه به احاطه در مسائل ثنوریک مارکسیستی ساندویس مقالاتی چون " چهار مقاله " در پاسخ به فرصت طلبان ، سورس به . قدمهای سنجیده در راه انقلاب " در سیمی و کسرس نظرات سارمان تاشیر سار داستار همن رو ساواک شاه هسوارده در سجوی او بود . بالاخره در روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۲ دز حیمان شاه میعادگاه اورا سد محاصره در آورده و سار کبار مسلط طلب مالامال ارتسو اوسدهائی شریست سمدنده را ارتطیدن سار ایستاندند .

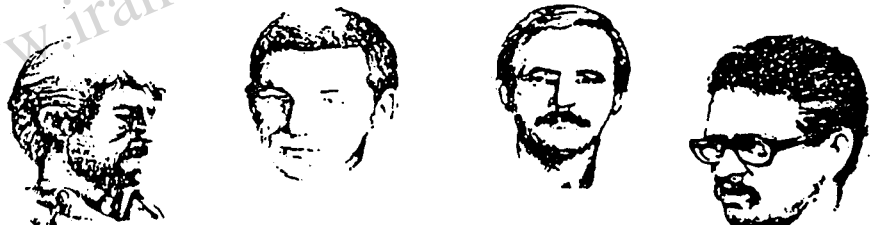
پنک است خون من در دست کارگر
داس است خون من در دست پرزگر



جاودان باد یاد تمامی جانباختگان فدائی در بهمن ماه :

- جهانگیر قلعه میان دو آب (جهان)
- فرشاد مرعشی
- قاسم سیادت
- حمید مؤمنی
- بابک سیلابی
- خسرو پناهی
- مهدی اقتدار منش
- محمد جواد عرفانیان
- اکبر پارسا کیا
- مجید امین نورائی
- مسعود رحمتی
- حسن محمدپور
- حسین چوخالچی
- علی نوذری
- بهنام قاسم زاده رضوی
- حر رضائی
- ابراهیم کردی
- مراد میررائی
- اسعد یزدانی
- اسماعیل پرزگر
- فریدون بانه‌ای
- احمد محمدی
- فاطمه محمدی
- فردوس آقا ابراهیمیان
- خسرو گلرخ
- کرامت الله دانشیان
- شیرمحمد درخشنده توماچ
- عبدالحکیم مختوم
- طوق محمد واحدی
- حسین جرجانی
- حمیدرضا هزارخانی و
- کساره ، حسن ، اسکندر .
- بادشان گرامی وراهشان
- پر رهبرو سجاد

بیاد رهبران خلق ترکمن، رفقا توماچ، مختوم، واحدی، جرجانی



... شانه در کنار دوستان اسنادهای
در برابر دشت وستاد و شور
ستاره های ترکمن در آسمان محرا
می درخشیدند
زماه ترکمن در آئینه رودخانه
سجری خوشی بود .



حاسبان آتش گشودند
رفساد "رنده ساد خلق ، رنده ساد شوراجا"
در عطر خون پیچید
ز خون ماعفه ای جوشن
ر "سورت سخنان" تا "اسعد بیرون"
و از "گمش بیه" تا "شج لبر" آس گرفت

نگاه کن ... نگاه کن
اسن درای پرچم های سرج
که بر دست کودکان سركسن محرا
به گردن درآمده است .
خون دنزوران سركسن محراس
خون صادان و کسگر اسب
خون رسن و سورا سب
خون آوار زصفان اسب
خون آوار جوان سوسب . سارمان



آ..... ی
توماچ... محموم... واحدی... جرجانی
داس خونین دهقانان ، بادشان خلق
ثور خونین صادان ، بادشان خلق

یاد رفیق

★ قاسم سیادت

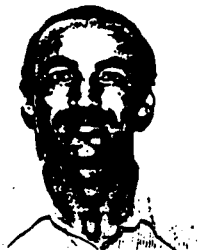
گرامی باد

در همنس سال کرد تمام ۲۲ بهمن ۵۷
ساد رنسن را گرامی سمدارم که خود
شانه سرازین ارتباره های سركسن آن همام
نظم سوده ای بود .
در ۲۲ بهمن ۵۷ زوری کدهوده های کارگر
وز سکشش ایران سب سارجه سرحاسد سب
پودت بر آتش انقلاب ار همد جا زبانه
سبکشید و رده سنا و با دگانه ای نظامی
رژیم شاه یکی پس از دیگری توسط
توده ها سروسیر سکشند . رفیق قاسم سیادت
سادل خان جوسن سفس سرج فدائی را سبر
تارک سبج حدائی رادبو سهران . توسط
سوده ها سکشید . کله سده در دوران رژیم هنگامی
در صفحه ۱۶

گرامی باد یادرفقای فدائی:



کاوِه



حسِن



اسکندر



که در دفاع از مرکز فرستنده رادیوئی

قهرمانانه جان باختند!

رستاخیز سیاهکل

در عرصه تاریخ مبارزاتی نوده‌ها همواره نقاط عطفی وجود دارند که از سوشی نائی از شرایط و نیاز مبارزه طبقاتی است و از سوشی دیگر این نقاط عطف اشری شگرف در ارتقاء کیفی و بنیادین مبارزه نوده‌ها علیه نظم کهن و مضمحل شونده، اما همچنان دست و پا کبر دارند.

تاریخ مبارزاتی نوده‌های کارگر و زحمتکش ایران نیز از این امر مستثنی نبوده است. از جمله رویدادهای تاریخی و نقطه عطف دهه‌های اخیر حماسه سیاهکل می باشد.

۱۶ سال پیش در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ گروهی فدائی جان سرفک با عشق عظیم و بی پایان به آرمان طبقه کارگر، سوسیالیسم، در جهت تسریع و تسهیل امر مبارزه طبقاتی کارگران یعنی ایجاد سازمانی پرولتری و کمونیستی، سازمانی رزمنده جهت رهبری کارگران و زحمتکشان در تمامی عرصه‌ها برای سرنگونی رژیم سرمایه‌داری حاکم بر ایران، با اقدامی شایسته انقلابی و تندروآ و کم‌نظیر در جنگلهای سیاهکل شعله فروزان ششم سرافروختند که نه تنها بیان فوران خشم فروخته کارگران و زحمتکشان، بلکه آغاز نبردی سخت، طولانی و دوران ساز برای سرنگونی حاکمیت سرمایه‌داری و برپائی دیکتاتوری پرولتاریا و ایجاد جامعه‌ای سوسیالیستی بود.

با حماسه سیاهکل رفقای فدائی علی اکبر صفائی فراهانی، جلیل‌بهرادی، احمد فرهودی، اسکندر رحیمی، هوشنگ سری،

در صفحه ۱۱

پنک است خون من در دست کارگر
داس است خون من در دست پرزگر



جاودان بادیا د تمامی جانباختگان فدائی در بهمن ماه:

رفقای:

- ابراهیم پوررضا خلیق
- سعید یاسان
- فتحعلی پناهیان
- محمدطاهر رحیمی
- منیژه اشرف‌زاده کرمانی
- محسن بطحائی
- محمدپیرزاده جهرمی
- مسعود پرورش
- فاطمه اسورنیا
- جعفر محسنی
- منطفی دقیق همدانی
- ابرید فصلب‌کنام
- کیسرت سجری
- حسن فرجودی
- احمد رضائی
- محمد رسوی
- محمود امس‌زاده
- سعید حسینی رهی
- کاروس رهگذر

بهمن ماه سرج سرج و سکو همدان
ماه در تاریخ حسن افغانی کارگران و زحمتکشان ایران است.

بهمن ماه مبارزه و مقاومت حماسه و جان باختن است. بهمن ماه فریاد است و آتش، ماه غرور و عدالت‌ساز سیاهکل، ماه غرور آفرین قیام تبریز، ماه آس‌فشان قیام ۵۷، ماه سلاح برگزین برده‌ها، ماه سکور سپردن رژیم ناسفاهی زمان دفاع حورانه ارباب‌کرای کارگران و زحمتکشان و پرخرس زحمتکشان است.

بزرگ برگ نفوس بهمن ماه یادآور خاطرات کرامتداری از حماسه آفرینی های دسرانه بسیاری از فدائیان است. کند در راه محروم آرمان کارگران و دفاع از منافع زحمتکش با خاستند و جان در راه فدا کردند. رفقای که با خون خود در جبهات آتشی آتشی مبارزه کردند. همراه با ناسف‌سازان جانباختگان راه رفاهی، دمکراسی و سوسیالیسم باد رفقای جان باخته در این ماه سرج را گرامی ستاریم.

در صفحه ۲۱

صدای فدائی

۸/۵ شب روی موج کوتاه

ردیف ۷۵ متر

۶ صبح و ۱۲/۵ روز بعد

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق